



اللَّهُمَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ



مسئله کلاس

شرح صلوات
بر

محمد وآل محمد
صلوات الله عليهم

وحید واحد جوان

(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

سرشناسه: واحدجوان، وحید
عنوان و نام پدیدآور: رساله‌ای در شرح صلوات بر محمد و آل محمد/
وحید واحدجوان، با همکاری مهسا شعبی.
مشخصات نشر: قم: انتشارات قائم آل علی، ۱۳۹۸.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۱-۰۳-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: صلوات
موضوع: Salavat*
موضوع: صلوات -- احادیث
موضوع: Salavat -- Hadiths*
موضوع: چهارده معصوم
موضوع: Fourteen Innocents of Shiite*
شناسه افزوده: شعبی، مهسا
رده بندی کنگره: BP۲۶۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷
شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۸۵۶۶۶



رساله‌ای در شرح صلوات بر محمد و آل محمد

- تالیف | وحید واحدجوان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
- نگارش | مهسا شعبی
- ناشر | قائم آل علی علیه السلام
- طراح گرافیک | سید علی میرحسینی
- تاریخ و نوبت چاپ | پاییز ۱۳۹۸ - اول
- شمارگان | ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت | ۳۰ هزار تومان
- شابک | ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۱-۰۳-۸

| کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ، و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است |

پایگاه اطلاع رسانی حجت الاسلام و المسلمین وحید واحدجوان


| vahidvahedjavan.blog.ir |



♦ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ♦

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ
لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس در نوشته‌ای بر من
صلوات بفرستد، مادامی که نام من در آن نوشته است،
همواره ملائکه بر او استغفار می‌کنند.







فهرست مطالب

پیش‌گفتار | ۱۱

صلوات در قرآن کریم | ۱۳

- تفسیر آیه صلوات در مجمع البیان ۱۴
- تفسیر آیه صلوات در المیزان ۱۴
- تفسیر آیه صلوات در نمونه ۱۶

معنای صلوات بر محمد و آل محمد | ۱۹

- تفاوت صلوات و رحمت ۲۲
- صلوات ملائکه و مومنان ۲۳
- معنای عمیق‌تر صلوات ۲۶
- معنای مدد به پیامبر ۲۶
- معنای دیگر صلوات ۲۷



- ۲۸ معنای عرفانی صلوات
- ۳۰..... آل محمد چه کسانی هستند
- ۳۰..... اهل و خانواده
- ۳۰..... پیروان
- ۳۱..... نزدیکان خاص
- ۳۲ آل حقیقی پیامبر
- ۳۳ فلسفه صلوات

صلوات در روایات اهل بیت علیهم السلام | ۳۵

- ۳۶ محجوب بودن دعای بدون صلوات
- ۳۸ بالا رفتن دعا توسط صلوات
- ۳۸ مئونه دنیا و آخرت
- ۴۲ صلوات در همه دعا
- ۴۳ فضیلت صلوات
- ۴۵ نتیجه صلوات
- ۴۶ صلوات عامل دوری نفاق
- ۴۷ مراد از اهل بیت
- ۴۸ فایده ده و صد صلوات بر پیامبر
- ۵۰ سنگین ترین اعمال در میزان
- ۵۳ محجوب نبودن صلوات
- ۵۴ با فضیلت ترین دعا
- ۵۵ معنای آیه **ذَكَرْ اِسْمَ رَبِّهِ فَصَلِّ**



نتیجه بی‌اعتنایی به صلوات	۵۸
افزودن آل محمد در صلوات	۶۰
با فضیلت ترین عمل روز جمعه	۶۲
عامل تزکیه اعمال	۶۵
علت خلیل شدن ابراهیم	۶۵
نفرستادن صلوات، نشانه بخل	۶۶
عقوبت نفرستادن صلوات بر آل پیامبر	۶۷
بحثی در حرمت یا کراهت ذکر نکردن آل	۶۷
روایت عجل فرجهم	۷۴
وسعت دادن به صلوات	۷۶
نزدیکترین انسان‌ها به پیامبر	۷۷
صلوات باعث شفاعت	۷۸
عامل از بین رفتن گناهان	۷۸
باعث استغفار ملائکه	۷۹
پاسخ پیامبر به مصلی	۸۰
پاداش شهادت	۸۰
نور بودن صلوات	۸۱
چرایی پاداش‌های عظیم صلوات	۸۲
پاداش‌های صلوات مطلق است یا مشروط	۸۲
صلوات کامل برای چهارده معصوم ۸۷	
صلوات بر پیامبر	۸۸



- صلوات بر امیر المؤمنین ۸۸
- صلوات بر فاطمه زهرا ۸۹
- صلوات بر امام حسن و امام حسین ۸۹
- صلوات بر امام زین العابدین ۹۰
- صلوات بر امام محمد باقر ۹۱
- صلوات بر امام جعفر صادق ۹۱
- صلوات بر امام موسی کاظم ۹۱
- صلوات بر امام علی بن موسی الرضا ۹۲
- صلوات بر امام جواد ۹۲
- صلوات بر امام هادی ۹۲
- صلوات امام حسن عسکری ۹۳
- صلوات بر امام مهدی موعود ۹۳

دستور العمل ختم صلوات | ۹۵

- ختم صد هزار صلوات ۹۶
- ختم چهارده هزار صلوات ۹۶
- نذر هزار صلوات و چهارده هزار صلوات ۹۷
- اکثر صلوات برای درمان مشکلات ۹۷

اسرار صلوات در کلام استاد مهندسی رضوان الله علیه | ۹۹

کتابنامه | ۱۰۷



پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از بافضیلت‌ترین ادعیه و بهترین اذکار، صلوات بر محمد و آل

محمد است. (اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم)

این دعا همواره ذکر قلبی و ورد زبانی ما مسلمانان بوده و در هر شبانه روز، در نماز و غیر نماز، میلیون‌ها صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آلش فرستاده می‌شود.

در ماه شعبان سال ۱۴۴۰ هجری قمری، به ذهن یا قلبم رسید که شرحی موجز بر صلوات نوشته و منتشر نمایم؛ شاید بدین وسیله مشمول رحمت الهی قرار بگیرم.

به یکی از شاگردان فرهیخته در دانشگاه تهران، خانم مه‌ساشعیمی



پیشنهاد کردم تا شرح صلواتی را که در درس «فصوص الحکم» جناب شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی رحمته الله علیه بیان کرده بودم، به صورت مکتوب درآورند و نکات و روایاتی بر آن اضافه نمایند تا به شکل رساله‌ای آماده شود.

ایشان نیز همانطور که انتظار داشتم با حسن سلیقه و دقت نظر، این مهم را انجام داده و رساله آماده شده را به بنده تحویل دادند. جزاها الله خیر الجزاء

در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۴۰ قمری به ویژه در شب‌های مبارک قدر، نکات نوشته شده را خواندم و اصلاحاتی اعمال و مطالبی بر آن افزودم تا این رساله، بدین شکل آماده چاپ و نشر شد.

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم این کتاب را از ما قبول فرماید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل ایشان علیهم السلام به ویژه قلب مطهر حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه التوفیق را از ما خوشنود و راضی گرداند.

وحید واحد جوان

شب ۲۸ ماه مبارک رمضان ۱۴۴۰ قمری
مطابق با شب ۱۳ خرداد ماه ۱۳۹۸ شمسی



صلوات در قرآن کریم



فرستادن صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل ایشان از با فضیلت‌ترین اعمال و ادعیه در بین مسلمانان است. آنها این دعا را از خداوند متعال در قرآن کریم آموخته‌اند که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا!»

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گوید و تسلیم فرمانش باشید.



در این آیه شریفه، بیان شده است که خداوند متعال و ملائکه به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلوات می‌فرستند. سپس به مؤمنان دستور می‌دهد که آنها نیز صلوات و سلام بفرستند.

تفسیر آیه صلوات در مجمع البیان

علامه طبرسی در مجمع البیان ذیل این آیه شریفه چنین آورده است:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ مَعْنَاهُ إِنْ اللَّهُ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَيُثْنِي عَلَيْهِ بِالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَيَجْلَهُ بِأَعْظَمِ التَّبْجِيلِ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ [يُثْنُونَ عَلَيْهِ] بِأَحْسَنِ الثَّنَاءِ وَيَدْعُونَ لَهُ بِأَزْكَى الدَّعَاءِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۱.

یعنی خداوند متعال بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود می‌فرستد و ستایش می‌کند او را به ستایش نیکو و احترام می‌کند به بزرگترین مراتب احترام و نیز فرشتگان بر ایشان درود می‌فرستند به بهترین ستودن‌ها و دعا می‌کنند به پاکیزه‌ترین دعاها. ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما نیز بر ایشان درود و سلام بفرستید و تسلیم او باشید.

تفسیر آیه صلوات در المیزان

علامه طباطبایی صاحب تفسیر عظیم المیزان در تفسیر آیه می‌فرماید:

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸ ص ۵۷۹



«أن أصل الصلاة الانعطاف فصلاته تعالى انعطافه عليه بالرحمة انعطافا مطلقا لم يقيد في الآية بشيء دون شيء وكذلك صلاة الملائكة عليه انعطاف عليه بالتزكية والاستغفار وهي من المؤمنين الدعاء بالرحمة وفي ذكر صلته تعالى وصلاة ملائكته عليه قبل أمر المؤمنين بالصلاة عليه دلالة على أن في صلاة المؤمنين له اتباعا لله سبحانه وملائكته وتأكيذا للنهي الآتي. وقد استفاضت الروايات من طرق الشيعة وأهل السنة أن طريق صلاة المؤمنين أن يسألوا الله تعالى أن يصلي عليه وآله»^١.

ترجمه اش چنین است که صلات در اصل به معنای انعطاف بوده، و صلات خداوند متعال بر پیامبر اکرم ﷺ به معنای انعطاف مطلق خداوند بر پیامبر ﷺ است به وسیله رحمتش؛ همچنین صلات ملائکه خداوند بر آن حضرت، انعطاف ایشان است بر پیامبر ﷺ به اینکه او را تزکیه نموده و برایش استغفار کنند؛ و صلات مؤمنان بر پیامبر اکرم ﷺ انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای پیامبر ﷺ؛ و در اینکه قبل از امر به مؤمنان که بر او صلوات بفرستید، نخست صلات خود و ملائکه خود را ذکر کرده، دلالتی است بر اینکه صلوات مؤمنین بر آن جناب به پیروی از خداوند متعال و متابعت ملائکه اوست و



از طریق شیعه و سنی روایت زیادی رسیده در اینکه طریق صلوات فرستادن مؤمنان بر آن جناب، این است که از خداوند بخواهند بر پیامبر صلوات الله علیه و آل او صلوات بفرستند.

تفسیر آیه صلوات در نمونه

شیخنا الاستاد در تفسیر نمونه که جزو کتاب‌های روان و در عین حال وزین و معتبر است نکاتی درباره این آیه شریفه آورده است که خلاصه‌اش چنین است:

۱. صلوات (صلوات) وقتی به خداوند متعال نسبت داده شود به معنای فرستادن رحمت است و هر گاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب شود به معنای طلب رحمت است.

۲. تعبیر به «یصلون» به صورت فعل مضارع، دلیل بر استمرار است؛ یعنی پیوسته خداوند و فرشتگان رحمت و درود بر پیامبر اکرم صلوات الله علیه می‌فرستند.

۳. در اینکه میان «صلوا» و «سلموا» چه فرقی است؟ مفسران بحث‌های مختلفی دارند. آنچه مناسب‌تر با ریشه لغوی این دو کلمه و ظاهر آیه قرآن کریم به نظر می‌رسد این است که:

«صلوا» امر به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر صلوات الله علیه است، اما «سلموا» یا به معنی تسلیم در برابر فرمان‌های پیامبر گرامی صلوات الله علیه است؛ چنان که در آیه ۶۵ سوره نساء آمده: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ



حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يَسْلِمُوا تَسْلِيمًا»^۱؛ مؤمنان کسانی هستند که به داوری تو تن دهند و حتی در دل از قضاوتت کمترین ناراحتی نداشته باشند و تسلیم مطلق گردند؛ چنان که در روایتی از امام صادق عليه السلام می خوانیم: ابو بصیر از محضرش سؤال کرد منظور از صلات بر پیامبر را فهمیده ایم، اما معنی تسلیم بر او چیست؟ امام فرمود: «هو التسليم له في الامور»؛ منظور تسلیم بودن در برابر او در هر کار است؛ یا به معنی سلام فرستادن بر پیامبر عليه السلام به عنوان «السلام عليك يا رسول الله» و مانند آن است که محتوایش تقاضای سلامت پیامبر عليه السلام از پیشگاه خداوند متعال است.

۴. درباره کیفیت صلوات بر پیامبر اکرم عليه السلام در روایاتی که از طرق اهل سنت و اهل بیت عليهم السلام رسیده صریحا آمده است که «آل محمد» را به هنگام صلوات بر محمد عليه السلام بیفزایید.^۲

در صحیح بخاری که معروفترین منابع حدیث اهل سنت است روایات متعددی در این زمینه نقل شده است.^۳

در صحیح مسلم نیز دو روایت در این زمینه آمده است.^۴ عجب اینکه در همین کتاب با اینکه در این دو حدیث چند بار محمد و آل محمد عليهم السلام با هم ذکر شده، باز عنوانی را که برای باب انتخاب کرده

۱. نساء / ۶۵

۲. اللهم صل على محمد و آل محمد

۳. رک: صحیح بخاری، ج ۶ ص ۱۵۱

۴. رک: صحیح مسلم، ج ۱ ص ۳۰۵



باب «الصلوة على النبي صلى الله عليه و سلم» (بدون ذکر آل) است!
ابن حجر در صواعق چنین نقل می‌کند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
«لا تصلوا على الصلاة البتراء فقالوا وما الصلاة البتراء؟
قال تقولون: اللهم صل على محمد، و تمسكون، بل قولوا
اللهم صل على محمد و آل محمد»؛

یعنی هرگز بر من صلوات ناقص نفرستید! عرض کردند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: اینکه فقط بگویید «اللهم صل على محمد» و ادامه ندهید، بلکه بگویید: «اللهم صل على محمد و آل محمد».^۱
۵. به خاطر همین روایات است که جمعی از فقهای بزرگ اهل سنت (همانند فقهای شیعه) اضافه کردن «آل محمد» را بعد از نام مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تشهد نماز، واجب می‌دانند.^۲

۱. الصواعق، ص ۱۴۴

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷ ص ۴۱۶ - ۴۲۰



معنای صلوات بر محمد و آل محمد

از منظر بسیاری از لغت شناسان، «صلات» به معنای دعا، تبریک و تمجید است.

در کتاب مفردات راغب آمده است:

«الصَّلَاةُ، قال كثير من أهل اللغة: هي الدعاء والتبريك
والتمجيد. يقال: صَلَّىتُ عليه، أي: دعوت له وزيّيت،
وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلْيَجِبْ،
وَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَصِلْ» أي: ليدع لأهله»^۱.

یعنی صلوات در نظر بسیاری از لغت شناسان به معنای دعا و تبریک و تمجید است. «صَلَّيْتُ عَلَيْهِ» یعنی بر او دعا کردم و او را به پاکی



ستودم و با بزرگی یاد کردم. فرمود: وقتی یکی از شما به مهمانی دعوت شوید پاسخ مثبت دهید و بروید و اگر روزه هم بودید بر آنها دعا کنید و نیت خیر آنها را به پاکی بستائید؛ یعنی بایستی میزبان را دعا کنید. در کتاب المصباح المنیر آمده است:

«(الصَّلَاةُ) قِيلَ أَصْلُهَا فِي اللَّغَةِ الدُّعَاءُ لِقَوْلِهِ تَعَالَى «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ» أَي ادْعُ لَهُمْ... وَقِيلَ (الصَّلَاةُ) فِي اللَّغَةِ مُشْتَرَكَةٌ بَيْنَ الدُّعَاءِ وَالتَّعْظِيمِ وَالرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَةِ»^۱.

یعنی گفته شده اصل صلات در لغت به معنای دعاست. به جهت قول خداوند که فرموده «صل علیهم» یعنی بر آنها دعا کن؛ و گفته شده: صلات در لغت مشترک است بین دعا، تعظیم، رحمت و برکت. در کتاب لسان العرب نیز آمده که صلات به معنای رحمت، استغفار و دعاست؛

«الصَّلَاةُ: الدُّعَاءُ وَالاسْتِغْفَارُ... الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: الرَّحْمَةُ... وَصَلَاةُ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ: رَحْمَتُهُ لَهُ وَحُسْنُ ثَنَائِهِ عَلَيْهِ... قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: هَذِهِ الصَّلَاةُ عِنْدِي الرَّحْمَةُ وَمِنْهُ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا فِ الصَّلَاةُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ دُعَاءٌ وَاسْتِغْفَارٌ وَمِنْ اللَّهِ رَحْمَةٌ، وَبِهِ سُمِّيَتْ

الصَّلَاةُ لِمَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ ... وَتَكُونُ
الصَّلَاةُ بِمَعْنَى الدُّعَاءِ»^١.

برخی گفته‌اند اصل صلات به معنای تعظیم است، لکن تعظیم
خداوند متعال بر نبی ﷺ رحمت اوست برایشان و تعظیم ملائکه،
تزکیه آنهاست برای پیامبر ﷺ و تعظیم مؤمنان، دعا کردن است؛

«قيل انها في الاصل بمعنى التعظيم فصلاة الله وملائكته
والمؤمنين على النبي تعظيمهم له ولعل الافق هو الاخير
لكن تعظيم الله للنبي رحمة عليه وتعظيم الملائكة له
تزكيتها له وتعظيم المؤمنين له دعاءؤهم له»^٢.

صاحب رياض السالكين، در شرح دعای دوم صحیفه سجادیه،
تحقیق گسترده‌ای درباره واژه «صلات» کرده است که بعد از نقل
قول‌های متعدد می‌گوید:

«قال المحققون: إنها لغة بمعنى واحد وهو العطف، ثم
العطف بالنسبة إلى الله تعالى الرّحمة اللائقة به، و
إلى الملائكة الاستغفار، وإلى الأدميين، دعاء بعضهم
لبعض»^٣.

یعنی محققان گفته‌اند: لفظ «صلات» به معنای عطف است.

١. لسان العرب، ج ١٤ ص ٤٦٤

٢. التمهيد في شرح قواعد التوحيد، تعليق الشيخ حسن الرضائي، ص ٣١

٣. رياض السالكين، ج ١، ص ٤٢٠، شرح دعای دوم.





عطف اگر از سوی خداوند متعال باشد، به صورت رحمت مناسب بروز می‌کند و اگر از طرف فرشتگان باشد، به صورت استغفار جلوه‌گر می‌شود و اگر از انسان‌ها باشد، به صورت دعا خواهد بود.

علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان چنانکه گذشت، صلوات را به معنای میل و انعطاف دانسته و بیان کرده است: صلوات خداوند بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آلش به معنای انعطاف خداوند به ایشان به وسیله رحمت است و صلوات ملائکه بر ایشان، انعطاف آنها بر ایشان به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را تزکیه نموده و برایشان استغفار کنند و صلوات مؤمنان بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او انعطاف آنهاست به وسیله درخواست رحمت برای پیامبر و آل پیامبر صلی الله علیه و آله.^۱

از این رو، زمانی که گفته می‌شود خداوند متعال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آلش صلوات می‌فرستد، یعنی خداوند بر آن بزرگواران میل کرده، رحمت ویژه و افاضه و لطف خاصی می‌کند و آنها را تعظیم، تکریم و تمجید می‌کند.

تفاوت صلوات و رحمت

البته باید به این نکته توجه شود که صلوات یا متفاوت از رحمت و به تعبیری مقدمه رحمت است؛ یا به معنای رحمت ویژه و خاص است و دقیقاً به معنای رحمت نبوده و با آن مترادف نیست. عطف رحمت بر

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶ ص ۳۳۸

صلوات در آیه «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ»^۱ و جمع بودن «صلوات» و مفرد بودن «رحمت» مؤید این نکته است که صلوات، غیر از رحمت است.

صلوات ملائکه و مومنان

صلوات ملائکه بر پیامبر ﷺ را به طور معمول، چنین معنا کرده‌اند که آنها ایشان را تزکیه کرده و برایشان استغفار می‌کنند.

صلوات مومنان را چنین معنا می‌کنند که دعا می‌کنند و از خداوند برای پیامبر ﷺ طلب رحمت ویژه می‌کنند.

از نظر ما روشن است که استغفار ملائکه برای پیامبر ﷺ و آل او و صلوات مومنان بر ایشان، هر دو، دعا است؛ وقتی می‌گوییم ملائکه و مومنان صلوات بر پیامبر ﷺ می‌فرستند یعنی از خداوند می‌خواهند که آن رحمت خاص و ویژه را بر پیامبر بفرستد. زیرا مقام پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام بالاتر از مقام ملائکه و دیگر مؤمنان است.

نفع صلوات بر پیامبر به چه کسی می‌رسد؟
در زیارت جامعه کبیره آمده است:

«جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائِكُمْ طِيباً
لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةِ لَأَنْفُسِنَا وَ تَرْكِيَةِ لَنَا وَ كَفَّارَةَ لِدُنُوبِنَا»^۲؛

۱. بقره / ۱۵۷

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۶۱۳





یعنی (خداوند) صلوات و درودهای ما را بر شما، و ولایت شما را که به ما اختصاص داده است، موجب پاکیزگی اخلاق ما، پاکی جان، تزکیه و بخششی برای گناهانمان قرار داده است.

از این رو، برخی این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا صلوات و درود بر پیامبر ﷺ و آل او در مقام و منزلت آنها نیز اثر دارد؟

شاید برخی از علما پاسخ دهند که سیر تکاملی انسان هیچ حدّ و مرزی را نمی‌شناسد و به سوی نامتناهی پیش می‌رود و لذا با صراحت در بعضی از دعاها که در تشهّد و غیر آن خوانده می‌شود، عرضه می‌داریم: «وَأَرْفَعُ دَرَجَتَهُ»؛ یعنی درجه پیامبر اکرم ﷺ را بالاتر ببر. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛^۲ تعبیر به فعل مضارع «يُصَلُّونَ» دلیل بر ادامه این رحمت است و به یقین هر مسلمانی که سخن از توحید و اسلام می‌گوید، رحمت تازه‌ای برای بنیانگذار این آیین نوشته می‌شود و این رحمت با انجام اعمال او نیز تداوم می‌یابد، چرا که این سنّت‌های حسنه را او بنیان نهاد.^۳

اما با دقت بیشتر در مسأله، بهتر است چنین گفت: مؤمنان که دارای مقاماتی پایین‌تر از پیامبر ﷺ و اهل بیت ائمه اطهار هستند نمی‌توانند

۱. وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۹۸۹

۲. احزاب / آیه ۵۶

۳. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۳ ص ۱۹۷

برایشان رحمت ویژه بفرستند. به همین جهت برخی اشکال می‌کنند که در چنین صورتی، مؤمنان واسطه فیض خداوند بر پیامبر ﷺ شده‌اند و این ممکن نیست.

ممکن است پاسخ داده شود که این وساطت به صورت اعدادی است نه حقیقی و اینطور نیست که ما در حقیقت واسطه فیض به پیامبر ﷺ و اهل بیت او باشیم. در حقیقت خداست که به صورت مستقیم رحمت ویژه خود را برایشان می‌فرستد و ما تنها در حد توانایی خود از خداوند می‌طلبیم و دعا می‌کنیم.

آیت الله جوادی آملی نقل می‌کنند که مرحوم استاد علامه طباطبایی می‌فرمودند:

معنای صلوات بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ این است که خدایا رحمتت را بر آنان فرو فرست که از آنان به ما برسد، اگر بخواهد رحمتی ببارد ابتدا بر این خاندان می‌بارد و سپس به دیگران می‌رسد.^۱

ما به لسان قال، دعا می‌کنیم و از خداوند متعال می‌خواهیم که بر پیامبر ﷺ و آلش رحمت ویژه بفرستد ولی وقتی که آن افاضه خاص فرستاده می‌شود از کانال وجودی ما به پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ نمی‌رسد، بلکه مستقیم از حق متعال به ایشان نازل می‌شود و از آن طریق بر خود ما نیز می‌رسد.

برخی از استادان ما به پیروی از استادان خود تصریح کرده‌اند:





همانطور که خداوند متعال از تسبیح و تقدیس ما بر او، منتفع نمی‌شود، بلکه خود انسان است که با ذکر و تسبیح الهی رشد می‌کند و بهره‌مند می‌گردد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با صلوات ما نفعی نمی‌برد بلکه خود ما منتفع می‌شویم و رشد می‌کنیم.

معنای عمیق‌تر صلوات

نکته بعدی این است که وقتی مؤمنان به خداوند متعال عرض می‌کنند که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او صلوات بفرست در حقیقت می‌خواهند این را اعلام کنند که ما در زبان و در عمل، هدایت رسول الله صلی الله علیه و آله را قبول می‌کنیم و محبت ایشان را در دلمان بیشتر جاری می‌کنیم و آن فیض هدایت و عنایتی که از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله به سمت ما می‌آید را می‌پذیریم. پس هر اندازه که صلوات بیشتری بفرستیم یعنی بیشتر اعلام می‌کنیم که قصد پذیرش و عمل به این هدایت را داریم و آن گاه از این طریق به پیامبر صلی الله علیه و آله مدد می‌رسانیم.

معنای مدد به پیامبر

مدد رساندن لازم نیست همیشه از طریق تأثیر باشد، بلکه گاهی از طریق تأثر است. برای مثال اگر رسول الله صلی الله علیه و آله دو نفر را هدایت نماید گستره هدایت ایشان در حد دو نفر است و اگر ده نفر را هدایت نماید گستره هدایتش به اندازه ده نفر است. در واقع هر مقدار ما انسان‌ها و مسلمانان بیشتر هدایت شویم، هدایت و مجرا بودن رسول الله صلی الله علیه و آله

برای فیض خداوند، بیشتر به ظهور می‌رسد.

بنابراین ما مسلمانان هر اندازه بیشتر فیض خداوند متعال را از طریق رسول الله ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام قبول کنیم و هرچه بیشتر اطاعت و پیروی ایشان را بکنیم و در نتیجه بیشتر در آنها فانی شویم به همان اندازه، فیض رسول الله ﷺ و ائمه معصوم علیهم‌السلام بیشتر گسترش پیدا می‌کند و ایشان آشکارتر می‌شوند.

پس با صلوات به نوعی به آن بزرگواران مدد رسانده‌ایم ولی این مدد تأثیری است نه تأثیری؛ لذا وقتی انسان مومن می‌گوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» یعنی من در مقام گفتار و عمل در مسیر هدایت رسول الله ﷺ و آل او قدم بر می‌دارم و هر اندازه قدم بیشتری بردارم دامنه هدایت رسول الله ﷺ و آل او آشکارتر می‌کنم.

مدد رساندن تأثیری مانند این است که ما شاخ و برگ‌هایی باشیم از درخت هدایت رسول الله ﷺ و هر اندازه بیشتر شکوفا شویم، درخت هدایت رسول الله ﷺ شکوفاتر و آشکارتر می‌شود. گرچه اگر ما هدایت نشویم و بی‌راهه برویم، رسول الله ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام در ذات و کمالات ذاتی خود مشکلی ندارند و با عنایت الهی در اوج کمالات خود هستند.

معنای دیگر صلوات

یکی دیگر از معانی «اللهم صل علی محمد و آل محمد» اظهار عجز





است؛ یعنی خدایا! ما نمی‌توانیم فرمان تو را در صلوات بر آن حضرت و آل او، به گونه‌ای اجابت کنیم که زبنده و شایسته ایشان باشد؛ تو خود بر ایشان صلوات بفرست.

معنای عرفانی صلوات

نکته دیگر، مطلب عمیق عرفانی بر اساس مبانی اهل معرفت است. همانطور که در عرفان اسلامی درباره تسبیح و تحمید و مانند آن گفته می‌شود که تنها خداوند متعال حامد و محمود^۱ و مسبِّح و مسبَّح است^۲ در صلوات نیز چنین است؛ در حقیقت، تنها خداوند متعال است

۱. «لما كان الحمد والثناء مترتباً على الكمال، ولا كمال إلا لله و من الله، كان الحمد لله خاصة، و هو قولى و فعلى و حالى... و أما حمده ذاته في مقامه الجمعى الإلهي قولاً فهو ما نطق به في كتبه و صحفه من تعريفاته نفسه بالصفات الكمالية و فعلاً فهو إظهار كمالاته الجمالية و الجلالية من غيبه إلى شهادته و من باطنه إلى ظاهره و من علمه إلى عينه في مجالى صفاته و محال و لايات أسماؤه و حالاً فهو تجلياته في ذاته بالفيض الأقدس الأولى و ظهور النور الأزلئ فهو الحامد و المحمود جمعاً و تفصيلاً، كما قيل:

لقد كنت دهرأ قبل أن يكشف الغطاء
إخالك إئى ذاكرك شاكراً

فلما أضاء الليل أصبحت شاهداً
بأنك مذکور و ذکر و ذاکر» (شرح فصوص الحکم، ص ۲۸۹)

۲. بنا بر توحید عرفانی تسبیح مظاهر، در حقیقت، تسبیح خداست در مرتبه مظهر؛ چرا که اولاً مظاهر چیزی جز شئون حق نیستند؛ ثانیاً خداوند در مقام ظهور (نه ذات) عین مظاهرش است؛ بنابراین، تسبیح مظاهر تسبیح خداوند است در مقام و مرتبه مظهر، و از این رو، خداوند متعال مسبِّح خود است. به بیان دیگر، تسبیح مظاهر از جنبه حقی که همان وجود است به خداوند متعال نسبت داده می‌شود و از جنبه خلقی که ماهیات و حدود امکانی است به مخلوقات نسبت داده می‌شود و گفته می‌شود مسبِّح‌اند. حال که چنین است، روشن می‌شود که هر تسبیحی، در هر مظهري، تسبیح آگاهانه است و در حقیقت خداست که تسبیح خود می‌گوید و خود را منزله از عیب و نقص معرفی می‌کند. بله، حکم تسبیح به مظاهر نیز نسبت داده می‌شود و آن‌ها بالمظهریه نمود آن وجود، کمالات و افعالند؛ از این رو، تسبیح‌گوی آگاهانه برای ذات اقدس خداوند محسوب می‌شوند. (وحدت وجود در عرفان اسلامی، ص ۴۱۴)

که بر پیامبر اکرم ﷺ و آل او صلوات می فرستند یعنی افاضه رحمت و کمالات و برکات می کند و هیچ موجودی غیر از الله نمی تواند صلوات حقیقی بفرستد. چگونه موجودات می توانند صلوات حقیقی بفرستند در حالی که در ذات، صفات و افعال، هیچ استقلالی ندارند و تنها مظهر و آیت خداوند هستند؟

در واقع «المصلی فی الحقیقه هو الله جمعا و تفصیلا»؛ یعنی یک بار خداوند متعال، مستقیم بر قلب پیامبر ﷺ و آلش میل و رحمت خاصه خویش را نازل می کند که این حالت جمعی دارد و یک بار مظهري از مظاهرش مثل فرشته یا انسان مؤمن بر پیامبر ﷺ و آلش صلوات می فرستد. در حقیقت آن فرشته و آن مؤمن، چیزی جز آیت و مظهر و نمود خداوند متعال نیست و در حقیقت، خداوند عزوجل است که در مرتبه آن مظهر بر رسول الله ﷺ صلوات می فرستد.

بنابراین در نگاه عمیق عرفانی لازم است گفته شود که فقط خداوند متعال بر رسول الله ﷺ و آل او صلوات می فرستد اما بعضی صلوات ها، تأثیری است یعنی وقتی که در مقام جمعی، حق تعالی صلوات می فرستد و از بالا افاضات را نازل می کند و بعضی صلوات ها تأثیری است یعنی همین مظاهر، از جهت مظهر بودن حق تعالی، صلوات می فرستند و رشد می کنند.

به بیان دیگر، بنا بر توحید عرفانی، صلوات مظاهر، در حقیقت، صلوات خداست در مرتبه مظهر؛ چرا که اولاً مظاهر چیزی جز شئون





حق تعالی نیستند؛ ثانیاً خداوند متعال در مقام ظهور (نه ذات) عین مظاهرش است.

گفتنی است در این نگاه، حکم صلوات به مظاهر نیز نسبت داده می‌شود و آن‌ها بالمظهریه مصلی هستند.

آل محمد چه کسانی هستند

اهل لغت و مفسران برای واژه «آل» چند معنا ذکر کرده‌اند که مهمترین معانی عبارت است:

اهل و خانواده

الف. اهل و خانواده، شایع‌ترین معنای «آل» است.

به نظر برخی از لغویان، «آل» در اصل، «اهل» بوده، «هاء» به «همزه» تبدیل و سپس تخفیف شده و کلمه «آل» پدید آمده است؛ زیرا مصغّر کلمه «آل»، «أهیل» است و تصغیر، کلمات عرب را به ریشه لغوی آن‌ها باز می‌گرداند.^۱

شیخ طوسی در آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»،^۲ واژه «آل» را به معنای «اهل» می‌داند.^۳

پیروان

ب. «آل» به معنای پیروان در قرآن کریم آمده است. در آیه «وَأَعْرَفْنَا

۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۸

۲. آل عمران / ۳۳

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲ ص ۴۴۱

آلِ فِرْعَوْنَ»^۱ و آیه «أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»^۲ و مانند آن، از لشکر فرعون به «آل» تعبیر شده است.

نزدیکان خاص

ج. «نزدیکان خاص» معنای دیگر «آل» است.^۳ نزدیکان خاص یعنی کسانی که رابطه ویژه‌ای با انسان دارند؛ چه این رابطه از طریق خویشاوندی و نزدیکی با فرد حاصل شود، چه با دوستی یا پیروی و مانند آن.^۴

اکنون سؤال این است که در صلوات بر پیامبر ﷺ و آل او مراد از «آل» چه کسانی هستند؟

در اینکه فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام آل محمد هستند، شکی نیست، اما مسأله این است که آیا تنها ایشان آل پیامبر محسوب می‌شوند؟ یا علاوه بر ایشان همه پیروان حقیقی و نزدیکان خاص رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام به نوعی آل محسوب می‌شوند؟ از برخی روایات استفاده می‌شود که معنای آل، وسیع‌تر است و همه پیروان و خاصان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را شامل می‌شود.^۵

۱. انفال / ۵۴

۲. غافر / ۴۶

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۸ «آل»

۴. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، مدخل آل

۵. ثواب الأعمال ابن المتوکل عَنِ السَّغْدَانِي عَنِ التَّرْقِي عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ مُصَدِّقٍ عَنِ





البته تأکید می‌شود که در اصل، آل محمد علیهم‌السلام یعنی اهل، خانواده، پیروان و نزدیکان خاص پیامبر، تنها حضرات معصومین علیهم‌السلام هستند و دیگران نیز از جهتی و در حد خودشان آل محسوب می‌شوند.

بنابراین وقتی می‌گوییم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آل را به صورت مطلق استفاده می‌کنیم و می‌توانیم هر مؤمن و عارفی را که خودش را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرات معصومین علیهم‌السلام نزدیک کرده، شامل صلوات خود بدانیم.

گاهی می‌گوییم: «اللهم صل علی محمد و اهل بینه» یا می‌گوییم: «اللهم صل علی محمد و آل الطاهرين و آل المعصومين» در این صورت، مشخص است که فقط حضرات معصوم علیهم‌السلام مراد هستند و پیروان ایشان را شامل نمی‌شود.

آل حقیقی پیامبر

پس آل واقعی و حقیقی فقط معصومین علیهم‌السلام هستند. زیرا اهل، پیروان و نزدیکان واقعی و حقیقی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقط معصومین علیهم‌السلام هستند. دیگران به اندازه‌ای که در عقیده و اخلاق و رفتار به معصومین علیهم‌السلام نزدیکند، پیرو و خاص رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

← عَمَّارٌ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ رَجُلٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا هَذَا لَقَدْ ضَيَّقْتَ عَلَيْنَا مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ خَمْسَةٌ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ فُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَكُونُ نَحْنُ وَ شِبَعَيْنَا قَدْ دَخَلْنَا فِيهِ . (بحار الانوار، ج ۹۱ باب ۲۹)

گفتنی است اگر همسر یا فرزند یا خواهر یا برادر انسان، پیرو حقیقی او نباشد، از اهل و آتش محسوب نمی‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ؛ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّي أَخْضَكُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛

یعنی نوح به پروردگارش عرض کرد پروردگارا! پسر من از اهل من است و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم‌کنندگان برتری؛ خطاب آمد: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است، بنا بر این آنچه را از آن آگاه نیستی از من نخواه، من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!

بر این اساس، آل و اهل در نگاه قرآنی و اسلامی غیر از آل و اهل در نگاه لغت و عرف است و نباید بین این دو، خلط کرد.

فلسفه صلوات

با توضیحاتی که گذشت، فلسفه و علت سفارش‌های فراوان بزرگان دین درباره اهمیت و فضیلت صلوات بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل او روشن می‌شود. توضیح بیشتر این است:

اولاً، با صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل ایشان نام و یاد آن بزرگواران





به عنوان هادیان امت، فراموش نمی‌شود.

ثانیا، معنا یا لازمه صلوات این است که اسلام و برنامه‌های اسلامی و آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال آورده، ترك نمی‌شود و به این ترتیب تکرار صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل ایشان در طول تاریخ، رمز بقای اسلام و اهداف پیامبران و برنامه‌های اسلامی است.

عمق بینش یک دین و مذهب اینجا روشن می‌شود که برنامه‌هایی تنظیم می‌کند که گرچه به ظاهر ساده است، اما در واقع، باعث حفظ دین و مکتب می‌شود. همین قضیه در صلوات بر آل محمد صلی الله علیه و آله جاری است. ثالثا، صلوات و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل ایشان سبب می‌شود که ما مسلمانان به مقام والای ایشان آشنا تر شویم، محبت آنها را بیشتر کسب کنیم، با آن بزرگواران انس بیشتری بگیریم و از عقاید، اخلاق و اعمال ایشان الگو بگیریم و به آنها نزدیکتر شویم؛ در واقع، ارسال درود و رحمت بر آنها، فرستادن درود و رحمت بر خود ما است.

رابعا، فرستادن صلوات و درود و سلام بر آن بزرگواران، نوعی حق‌شناسی و قدردانی از زحمات فراوانی است که برای ولایت و هدایت امت و حفظ دین و مذهب کشیده‌اند و بدون تردید این حق‌شناسی و قدردانی اجر و پاداش الهی فراوانی دارد.

خداوند ابهترین و بافضیلت‌ترین صلوات خود را بر محمد و آلش فرو فرست و ما را از امت و آل ایشان قرار بده.



صلوات در روایات اهل بیت علیهم السلام

روایات متعددی درباره صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و فضیلت آن وارد شده است. به عنوان نمونه، شیخ کلینی در کتاب شریف «کافی»، کتاب الدعاء، بابی با عنوان «الصلوة علی النبی محمد و اهل بیته» دارد که ۲۱ روایت نقل کرده است.^۱

علامه مجلسی در «بحار الانوار»، در تتمه کتاب ذکر و دعا، دو باب (باب ۲۸ و باب ۲۹) به این مسأله اختصاص داده و روایات متعددی را از کتب روایی قبل از خود، نقل نموده است.^۲ در اینجا برخی از روایات کتاب کافی و بحار الانوار نقل می شود.

۱. کافی، ج ۲ ص ۴۹۱

۲. بحار الانوار، ج ۹۱ ص ۱ و ۴۷



محبوب بودن دعای بدون صلوات

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مُحْجُوبًا حَتَّىٰ يَصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ^۱.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: پیوسته دعا محجوب است (و میان آن و استجابتش حجاب و پرده‌ای حائل است) تا بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود. (که آنگاه پرده و حائل برطرف می‌شود). در واقع، به برکت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او دعای انسان، حجاب‌ها را پاره کرده و صعود می‌کند و به کمال می‌رسد. زیرا؛ اولاً، خداوند متعال کریم‌تر از آن است که قسمتی از دعا را که صلوات است، بپذیرد و قسمتی را نپذیرد.^۲ ثانیاً، صلوات، کفاره گناہانی است که مانع اجابت دعا می‌شوند. انسان با صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش از گناہان خارج می‌شود و دعایش به اجابت می‌رسد.

ثالثاً، حب محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله در قلب و اظهار آن با زبان و صلوات بر ایشان، موجب قرب به خداوند متعال و افزایش ایمان است و انسان هر چه ایمانش بیشتر و قربش به حق تعالی فزونتر شود، دعایش به قبولی و اجابت نزدیک‌تر است.

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۱

۲. به روایت شماره ۱۶ مراجعه کنید.



رابعا، محمد صلی الله علیه و آله و آل ایشان هدف و راز خلقت و وسائط فیض الهی اند. انسان با صلوات بر ایشان، خود را به آنها نزدیک تر کرده، فیض حق تعالی را از معدن آنها به سمت خود جلب می کند.

خامسا، با صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله ملائکه الهی و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر انسان دعا می کنند و دعای آنها مستجاب است.

برخی چنین استفاده کرده اند:

ادب دعا و مسئلت این است که با ذکر و حمد و ثنای خدای سبحان شروع و پس از درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عرض حاجت شود. بدون این صلوات، دعا مستجاب نیست و چنانچه چیزی بدون صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او نصیب کسی شود، آزمون است؛ نه رحمت و استجابت دعا.^۱

شیخنا الاستاد آیت الله جوادی آملی درباره راز این نکته فرمودند: آن گونه که استاد علامه طباطبایی در جلسه درس می فرمودند انسان با صلوات بر اهل بیت عصمت و طهارت از خدای سبحان برای این خاندان درخواست رحمت می کند و این دعا مستجاب می شود و آنگاه که رحمت الهی به آنان رسید به همه شیعیان آنان، که دعاکننده نیز از آنهاست، رحمت می رسد و بدین گونه در پرتو رحمت الهی و به برکت آن ذوات نورانی، حاجت او برآورده می شود.^۲

۱. تسنیم، ج ۷ ص ۵۶۱

۲. تسنیم، ج ۷ ص ۵۶۱



بالا رفتن دعا توسط صلوات

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ رَفَّرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ رَفَعَ الدُّعَاءُ.^۱

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس دعائی کند و نام پیامبر را نبرد آن دعا بالای سرش (چون پرنده‌ای) بچرخد (کنایه از اینکه بالا نمی‌رود و قبول نمی‌شود) و چون نام پیامبر را ذکر کند، دعا بالا رود. یعنی همراه دعا بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او صلوات بفرستد تا دعا صعود کند و به اجابت برسد.

مئونه دنیا و آخرت

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَجْعَلُ لَكَ ثُلُثَ صَلَوَاتِي لَا بَلَّ أَجْعَلُ لَكَ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَا بَلَّ أَجْعَلُهَا كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا تَكُنْفِي مِئُونَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: ای

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۲

۲. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۳

رسول خدا! من يك سوم صلواتم را برای شما قرار می‌دهم، بلکه نیمی از صلواتم را مخصوص شما می‌گردانم، بلکه تمامی آن را از آن شما می‌گردانم. رسول خدا فرمود: در این صورت مئونه دنیا و آخرت تو کفایت می‌شود.

در روایت دیگر وارد شده:

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ أَجْعَلْ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ قَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ أَجْعَلْ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ قَالَ نَعَمْ فَلَمَّا مَضَى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كُنْفِي هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!

حضرت صادق عليه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده عرض کرد: من نیمی از صلوات (و دعاهایم) را برای شما قرار دهم؟ فرمود: آری، سپس عرض کرد: همه دعاهایم را به شما مخصوص گردانم؟ فرمود: آری، همین که آن مرد رفت رسول خدا فرمود: اندوه دنیا و آخرتش کفایت شد.

ممکن است مراد از صلوات، مطلق دعا باشد و یک سوم صلوات یعنی یک سوم دعاهایم؛ پس وقتی می‌گویند یک سوم دعاهایم یا نیمی

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۱۱





از دعاهایم را مخصوص شما می‌گردانم، یعنی یک سوم دعاهایم برای شماست و در آن شما را دعا می‌کنم.

و ممکن است مراد این باشد که هر بار می‌خواهم دعا کنم، یک سوم دعایم یا نصف دعایم، صلوات اصطلاحی بر شماست.

کفایت مؤنه دنیا و آخرت، بدین جهت است که وقتی به پیامبر، دعا و صلوات می‌فرستد، ملائکه و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر او صلوات می‌فرستند و برای دنیا و آخرتش دعا می‌کنند و روشن است که دعای ملائکه و پیامبر مورد قبول است.

در روایت دیگری وارد شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مَعْنَى أَجْعَلُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ يَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ كُلِّ حَاجَةٍ فَلَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئاً حَتَّى يَبْدَأَ بِالنَّبِيِّ فَيَصَلِّيَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهُ حَوَاجَتَهُ^۱.

ابو بصیر گوید: از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم معنای اینکه همه صلواتم را برای شما قرار دهم چیست؟ فرمود: یعنی پیامبر را مقدمه و جلوی هر حاجتی قرار می‌دهد، و از خدای عزوجل چیزی درخواست نکند تا به نام پیامبر ابتداء کند پس صلوات (یا دعا) بر او بفرستد،

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۴

سپس حاجات خود را از خداوند متعال درخواست کند.

ممکن است مقصود از صلوات، معنای اصطلاحی آن یعنی «اللهم صل علی محمد و آل محمد» باشد؛ و ممکن است معنای لغوی آن یعنی دعا باشد و معنایش این است که هر گاه به درگاه خداوند متعال درباره حاجتی دعا می‌کنم، اول به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلوات می‌فرستم یا اول به پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعا می‌کنم و آن را پایه قرار می‌دهم سپس آنچه برای خود می‌خواهم روی آن قرار می‌دهم.

در روایت دیگر آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ تُلَّتْ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ خَيْرًا
فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ
ذَاكَ أَفْضَلُ فَقَالَ إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ إِذَا
يَكْفِيكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرٍ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ
فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ فَقَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ شَيْئًا إِلَّا
بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ^١.

مردی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده عرض کرد: ای رسول خدا! یک سوم





دعاهای خود را به شما اختصاص دهم؟ فرمود: نیکو است. عرض کرد: ای رسول خدا نیمی از دعاهای خود را مخصوص شما گردانم؟ فرمود: این بهتر است. عرض کرد: همه دعاهایم را برای شما قرار دهم؟ فرمود: در این صورت خدای عز و جل آنچه از کارهای دنیا و آخرت که ترا اندوهناک کند کفایت فرماید. پس مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: خدایت نیکی دهد چگونه دعایش را برای او قرار دهد، حضرت علیه السلام فرمود: چیزی از خدای عز و جل در خواست نکند جز اینکه با صلوات (دعا) بر محمد و آتش آغاز کند.

صلوات در همه دعا

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تَجْعَلُونِي كَقَدْحِ
الرَّكَابِ فَإِنَّ الرَّكَابَ يَمْلَأُ قَدْحَهُ فَيَشْرَبُهُ إِذَا شَاءَ اجْعَلُونِي
فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَفِي آخِرِهِ وَفِي وَسْطِهِ؛^۱

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا مانند قدح شتر سوار قرار ندهید، زیرا شتر سوار، قدح خود را پر می‌کند و هر زمان خواست می‌نوشد؛ مرا در اول دعا و وسط و آخر آن قرار دهید. شاید مراد این است که در آخر کار به یاد من نیفتید همچنانکه

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۵

شترسوار، قدح خود را در آخر بار خود قرار می‌دهد و پس از آنکه از بار کردن همه آنها فارغ شد آن را پشت آنها می‌آویزد.

و شاید مقصود این باشد که همیشه به یاد من باشید نه مانند قدح شترسوار؛ چرا که شترسوار یاد قدح خود نمی‌کند مگر زمانی که تشنه شود و بخواهد آب بیاشامد. به بیان دیگر، تنها در مواقع نیاز به یاد من نباشید، بلکه همواره در اول دعا، وسط دعا و آخر دعا به یاد من باشید و مرا دعا کنید و صلوات بفرستید.

و شاید مراد این باشد که هدف شترسوار از قدح، آب داخل آن است نه خود قدح؛ از این رو، می‌فرماید مرا مانند قدح، وسیله حاجات دیگران قرار ندهید، بلکه مرا مانند حاجات دیگر، مقصود اصلی قرار دهید و در اول و وسط و آخر، یاد کنید.

فضیلت صلوات

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ
أَبِيهِ وَحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ
عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَلَمْ يَبْقَ
شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ الْعَبْدُ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ





وَ صَلَاةٍ مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَرْغَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ
قَدْ بَرِيَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ.^۱

حضرت صادق عليه السلام فرمود: چون نام پیامبر برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید. زیرا هر کس يك صلوات بر پیامبر فرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته‌ها بر او صلوات فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه بر این بنده صلوات فرستد برای آنکه خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند، نادان و مغرور است، و خدا و رسول و خاندانش از او بیزارند.

طبق این روایت، مستحب مؤکد است انسان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار صلوات بفرستد.

اینکه فرمود: «خداوند هزار بار در هزار صف فرشتگان بر او صلوات فرستد» چند معنی دارد:

معنی اول این است که خداوند بر او ثنا می‌گوید و به صورتی صلوات می‌فرستد که آن را هزار صف از فرشتگان بشنوند و آنها نیز به سبب صلوات خداوند عزوجل صلوات بفرستند.

معنی دوم این است که خداوند به آنها امر می‌کند که صلوات بفرستند.

معنی سوم این است که «فی» در عبارت «**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ**» برای سببیت است؛ یعنی خداوند متعال،

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ۶



هزار صف از ملائکه را مأمور محافظت او از بلاها، مصیبت‌ها و وسوس می‌کند و با این سبب، هزار بار صلوات می‌فرستد.

معنی چهارم این است که «فی» به معنای معیت است؛ یعنی خداوند به همراه ملائکه‌اش هزار بار صلوات می‌فرستد.

اینکه فرمود: «چیزی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه بر این بنده صلوات فرستد» مانند تسبیح همه مخلوقات است که در آیات شریفه قرآن کریم آمده است که می‌فرماید:

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا^۱.

نتیجه صلوات

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّهِ وَ
مَلَائِكَتُهُ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقُلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْتُمْ^۲.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بر من صلوات بفرستد خداوند و فرشتگان بر او صلوات بفرستند، هر که

۱. اسراء / ۴۴

۲. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۷



خواهد کم فرستد و هر که خواهد بیش .

در واقع، هرکس بخواهد خداوند و ملائکه بر او میل، رحمت، برکت، لطف و عنایت بیشتری بفرستند، بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم صلوات بیشتری بفرستد.

صلوات عامل دوری نفاق

عَلِي بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ الصَّلَاةُ عَلَى وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ ١.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلوات الله علیهم فرمود: صلوات بر من و بر اهل بیت من نفاق را می برد. در روایت دیگر آمده است:

ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ اذْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ
بِالصَّلَاةِ عَلَى فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ ٢.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلوات الله علیهم فرمود: صوت های خود را به صلوات بر من بلند کنید، زیرا که آن، نفاق را برطرف سازد. ممکن است بلند کردن صوت، کنایه از صلوات دسته جمعی و با

۱ . کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ٨

۲ . کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ١٣

جماعت باشد. زیرا در این صورت، صوت‌ها بلند می‌شود. و ممکن است مقصود، فرستادن صلوات با صدای بلند باشد و محتمل است هر دو، مراد باشد.

مراد از اهل بیت

مراد از اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند، گرچه به اعتباری، فاطمه زهرا و همه امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام را شامل می‌شود.

روایاتی که درباره آیه تطهیر^۱ و اختصاص آنها به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام در منابع معروف اسلامی آمده، بسیار زیاد است.

عَلَّامَه طباطبایی در میزان تعداد این روایات را بیش از ۷۰ روایت می‌داند.

اهل سنت آنها را از طرق بسیاری، از ام سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، وائلة بن الاسقع، ابی الحمراء، ابن عباس، ثوبان، عبد الله بن جعفر، علی و حسن بن علی، تقریباً از چهل طریق، نقل کرده‌اند.

شیعه آن را از امام علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا عَلَيْهِمُ السَّلَام و از ام سلمه، ابی ذر، ابی لیلی، ابی الاسود دؤلی، عمرو بن

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (احزاب / ۳۳)





میمون اودی، و سعد بن ابی وقاص، در بیش از سی طریق، نقل کرده‌اند.^۱

فایده ده و صد صلوات بر پیامبر

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ
الْأَزْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَالَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةً مَرَّةً قُضِيَ لَهُ مِائَةٌ حَاجَةً ثَلَاثُونَ
لِلدُّنْيَا وَالْبَاقِي لِالْآخِرَةِ.^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که صد بار بگوید: «یا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد حاجت از او برآورده شود که سی حاجت آن از
حاجات دنیا باشد و باقی از آخرت.
در روایت دیگر می‌خوانیم:

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَعْقُوبَ
بْنَ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ فَرْوَخَ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِسْحَاقُ بْنُ فَرْوَخَ مَنْ
صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
مَلَائِكَتُهُ مِائَةً مَرَّةً وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةً

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶ ص ۳۱۱

۲. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة علی النبی محمد و اهل بیته علیهم السلام، حدیث ۹

مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ
 وَجَلَّ هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ
 الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا^۱

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق بن
 فروخ! هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خداوند و
 فرشتگان او صد بار بر او صلوات فرستند، و هر که صد بار بر محمد و
 آل محمد صلوات فرستد خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات
 فرستند. آیا گفتار خداوند عزوجل را نشنیده‌ای (که فرماید: «اوست
 آن خداوندی که رحمت فرستد بر شما و فرشتگانش تا برون آرد شما
 را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی و خداوند به مومنان، رحیم است.»
 (سوره احزاب آیه ۴۳)

استشهاد امام به آیه شریفه «هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ
 لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»^۲ گویای
 این مطلب است که درود خداوند و ملائکه او بر مؤمنان، نوعی رحمت
 و لطف است که آنها را از ظلمات به سمت نور می‌برد و نباید صلوات
 خداوند را در حد لفظ معنا کرد.
 در حدیث دیگری وارد شده است:

ثَوَابُ الْأَعْمَالِ أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ الْبَرِّقِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۱۴





عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَلَا أَعْلَمُكُمْ شَيْئًا يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قُلْ بَعْدَ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ!

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به تو چیزی یاد ندهم که خداوند به وسیله آن تو را از حرارت جهنم ننگه دارد؟ گفتم بفرمایید. فرمود: بعد از فجر (یا نماز صبح) صد مرتبه بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ خداوند تو را از گرمی جهنم محفوظ می‌دارد.

سنگین‌ترین اعمال در میزان

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَتَوْضَعُ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرَجُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ.^۱

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق علیهما السلام حدیث کند که فرمود: در میزان (و ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین‌تر از

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۵۵

۲. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۱۵



صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند پس به سمت سبکی میل می‌کند، پس صلوات بر پیامبر خارج می‌شود و آن را در میزانش می‌نهد، سنگین می‌شود و برتری می‌یابد و سبب ترجیح کفه کردار نیک او می‌گردد.

میزان، ترازو و ابزار سنجش است و هر چیزی را با ترازوی متناسب با خود می‌سنجند. بنابراین، برای عقاید، اخلاق و اعمال انسان نیز ترازوی مناسب و متناسب وجود دارد.

در قرآن کریم آمده است:

«وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكُنَّا بِهَا حَاسِبِينَ»!

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت قرار می‌دهیم، لذا به هیچکس کمترین ستمی نمی‌شود، و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی باشد) ما آن را حاضر می‌کنیم، و کافی است که ما حساب کننده باشیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: ترازوهای قسط و عدالت در روز قیامت عبارتند از پیامبران و اوصیاء علیهم السلام؛ «هم الأنبياء والأوصياء»^۲ بنابراین، عقاید و اخلاق و اعمال انسان‌ها را با عقاید و

۱. انبیا/ ۴۷

۲. فی الکافی و فی معانی الأخبار عن الصادق علیه السلام أنه سئل عن قول الله عز و جل: وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ ←



اخلاق و اعمال پیامبران و اوصیای آنان ارزیابی کرده و می‌سنجند.
 در واقع، ترازوی انسان، انسان کامل است و مردم با او سنجیده
 خواهند شد.

سنگینی میزان، کنایه از زیادی حسنات و اعمال نیکو و برتری آن
 بر سیئات و اعمال زشت است.
 در روایت دیگری وارد شده:

قرب الإسناد اليقطيني عن ابن عبد الحميد عن أحدهما
 قال: أثقل ما يوضع في الميزان يوم القيامة الصلاة على
 محمدٍ وعلى أهل بيته.^۱

از امام باقر یا امام صادق علیه السلام روایت شده: سنگین‌ترین عملی
 که روز قیامت در میزان گذاشته می‌شود، صلات بر محمد و اهل بیت
 محمد است.

و در روایت دیگری می‌خوانیم:

في خُطْبَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ
 مَنْ أَكْثَرَفِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى تَقَلَّ اللهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَحْتَفُ
 الْمَوَازِينُ.^۲

← القسطنط ليوم القيامة. قال: هم الأنبياء والأوصياء. وفي رواية أخرى: نحن الموازين القسط. (تفسير كنز
 الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵ ص ۴۱)

۱. قرب الاسناد، ص ۱۴

۲. بحار الانوار، ج ۹۱ ص ۵۲

در خطبه رسول الله ﷺ در فضیلت ماه رمضان آمده است: هر کس در ماه رمضان زیاد بر من صلوات بفرستد خداوند متعال روزی که ترازوی اعمال سبک است، میزان اعمالش را سنگین می‌کند. روشن است که صلوات انسان را به سمت اعمال و اخلاق صحیح و تبعیت از رسول گرامی ﷺ سوق می‌دهد و نتیجه آن، سنگینی اعمال است.

محبوب نبودن صلوات

عَلَىٰ بَنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ رِجَالِهِ قَالَ
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ
 وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ
 حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ
 وَجَلَّ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتْ
 الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ^١.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر که به درگاه خداوند عزوجل حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آلش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم به صلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد، زیرا که خدای عزوجل کریم‌تر از آن است که دو طرف (دعا) را بپذیرد، و وسط (دعا) را واگذارد (و به اجابت نرساند) زیرا صلوات بر محمد و آل

١ . کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حديث ١٦





محمد، از خداوند محبوب نیست.

معلوم می‌شود صلوات از خداوند متعال محبوب نیست؛ یعنی به سمت خداوند صعود می‌کند و مقبول است و چیزی مانع رسیدن آن به خداوند نمی‌شود.

با فضیلت‌ترین دعا

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحْسِنِ بْنِ أَحْمَدَ
عَنْ أَبَانَ الْأَمْرِيِّ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نَعِيمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَلَمْ يَحْضُرْنِي
شَيْءٌ مِّنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ
أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلٍ مِّمَّا خَرَجْتَ بِهِ^۱.

عبد السلام بن نعیم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من وارد خانه (کعبه) شدم و هیچ دعائی به خاطر نداشتیم جز صلوات بر محمد و آل محمد؟ فرمود: آگاه باش که کسی خارج نشده به افضل از چیزی که تو با آن خارج شدی.

مراد این است که صلوات، بهترین و بافضیلتترین دعاهاست و اجر و پاداش هیچ کس با دعا‌های دیگر، بهتر و بافضیلت‌تر از اجر و پاداش دعای تو نبوده است.

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۱۷

معنای آیه ذِکْرَاسْمِ رَبِّهِ فَصَلِّ

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ
عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي
الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي مَا مَعْنَى قَوْلِهِ وَذَكَرَ
اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى قُلْتُ كُلَّمَا ذَكَرَاسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّى فَقَالَ
لِي لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ هَذَا شَطَطًا فَقُلْتُ جُعِلْتُ
فِدَاكَ فَكَيْفَ هُوَ فَقَالَ كُلَّمَا ذَكَرَاسْمَ رَبِّهِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَأَلِيٍّ.

عبید الله بن عبد الله دهقان گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم، پس آن حضرت به من فرمود: معنای گفتار خداوند چیست؟ (که فرماید:) و یاد کرد نام پروردگارش را پس صلوات بجا آورد «(سوره اعلیٰ آیه ۱۵) من عرض کردم: یعنی هر زمان نام پروردگارش را بیاد آورد برخاست و نماز خواند (و صلوات در این آیه به معنای نماز است) فرمود: (اگر این طور باشد) پس خدا به حقیقت تکلیفی نابجا و بیرون از طاقت و توانائی کرده است؟ عرض کردم: قربانت پس معنای آن چگونه است؟ فرمود: هر گاه نام پروردگارش را یاد کند بر محمد و آل او صلوات فرستد.





البته در تفسیر قمی آمده است:

«قوله: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى قَالَ زَكَاةَ الْفِطْرَةِ فَإِذَا أَخْرَجَهَا
قَبْلَ صَلَاةِ الْعِيدِ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى قَالَ صَلَاةَ الْفِطْرِ
وَالْأَضْحَى»؛^۱

یعنی مراد از «فصلی» نماز فطر و قربان است.
کتاب من لایحضره الفقیه روایت کرده:

«سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزّو جلّ: قَدْ
أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. قال: من أخرج الفطرة. قيل له: وَذَكَرَ
اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى. قال: خرج إلى الجبّانة فصلّى»؛^۲
یعنی از امام صادق علیه السلام درباره آیه ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى سؤال شد.
امام فرمود: به سمت صحرا خارج شود و نماز گزارد.
در مجمع البیان آمده است:

«وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى أَي وَحَدَّ اللَّهُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ
قِيلَ ذَكَرَ اللَّهُ بِقَلْبِهِ عِنْدَ صَلَاتِهِ فَرَجًا ثَوَابِهِ وَخَافَ عِقَابَهُ
فِي الْخُشُوعِ فِي الصَّلَاةِ بِحَسَبِ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ وَقِيلَ
ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ بِلِسَانِهِ عِنْدَ دُخُولِهِ فِي الصَّلَاةِ فَصَلَّى بِذَلِكَ
الاسْمِ أَي قَالَ اللَّهُ أَكْبْرَ لَأَنَّ الصَّلَاةَ لَا تَتَعَقَدُ إِلَّا بِهِ وَقِيلَ

۱. تفسیر قمی، ج ۲ ص ۴۱۷

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۳۲۳

هوأن يفتتح بيسم الله الرحمن الرحيم و يصلى الصلوات
الخمسة المكتوبة»؛^۱

یعنی ابن عباس گوید: یعنی خدا را به یکتایی یاد کن (و برای او شریکی تصوّر نکن). و بعضی گفته‌اند: خدا را در موقع نماز در قلبت یاد کن و امید ثواب و خوف و عقاب او را داشته باش زیرا که خشوع در نماز به جهت ترس و امید خوف و رجاء است. و بعضی گفته‌اند: نام خدا را در موقع دخول به نماز یاد کن و به این اسم نماز را شروع کن یعنی بگو الله اکبر، به جهت اینکه نماز منعقد نمی‌شود مگر به این تکبیر. و بعضی گفته‌اند: که نمازت را شروع کن به: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و نماز پنجگانه را با بسم الله بخوان.
در تفسیر المیزان آمده است:

«قوله: «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» الظاهر أن المراد بالذكر

الذكر اللفظي، وبالصلاة التوجه الخاص المشروع في

الإسلام. والآيتان بحسب ظاهر مدلولهما على العموم

لكن ورد في المأثور عن أئمة أهل البيت ع أنهما نزلتا في

زكاة الفطر وصلاة العيد وكذا من طرق أهل السنة»؛^۲

یعنی ظاهراً مراد از ذکر نام خدا، ذکر زبانی و مراد از صلوات همان

نماز معمولی و توجه خاص عبودی است که در اسلام تشریح شده است

۱. مجمع البیان، ج ۱۰ ص ۷۲۲

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰ ص ۲۶۹





و این دو آیه به حسب ظاهر مدلولی که دارند نسبت به همه مصادیق طهارت که برای شمردیم عمومیت دارد، ولی از نظر روایات وارده از ائمه اهل بیت تنها در باره زکات فطره و نماز عید نازل شده، روایات وارده از طرق اهل سنت هم همین را می‌گویند.

علامه مجلسی در مرآة العقول بعد از نقل روایاتی درباره این آیه شریفه می‌گوید: منافاتی بین این روایت و آن روایات نیست. زیرا این نیز یکی از معانی آیه و بطنی از بطون آن آیه است.^۱

نتیجه بی‌اعتنایی به صلوات

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحِ الْأَسَدِيِّ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَآلَهُ فِي صَلَاتِهِ يَسْلُكُ
بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ ذُكِرْتُ
عِنْدَهُ فَلَمْ يَصَلِّ عَلَيَّ دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَقَالَ وَمَنْ
ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَتَنَسَى الصَّلَاةَ عَلَيَّ خُطِيَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ.^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیامبر و آل او را نبرد، با این نماز به جز راه بهشت می‌رود (یعنی این نماز او را به بهشت نخواهد برد). و رسول خدا فرمود: هر

۱. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۲ ص ۱۰۴

۲. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۱۹



کس که من نزد او نامم برده شود و بر من صلوات نفرستد، داخل آتش شود، پس خدایش (از رحمت خود) دور کند. و فرمود: و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات (فرستادن) را بر من فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است.

اینکه گفته شد: هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات (فرستادن) را بر من فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است، به این معناست که آنچه که او را به سمت بهشت راهنمایی و هدایت می‌کرد را به اشتباه و فراموشی خود، ترک کرد که البته این حالت، عقاب ندارد اما به سمت بهشت هم نرفته است اما تمعد در صلوات نفرستادن، موجب عقاب است. همانطور که ظاهر و بلکه نص آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۱ امر به مؤمنان است.

در روایت دیگری آمده است:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ ثَابِتٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَتَسَبَّى أَنْ يَصَلِّيَ عَلَيَّ خَطَأً اللَّهُ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ^۲.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس من

۱. احزاب / آیه ۵۶

۲. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۲۰



نزدش نام برده شوم و فراموش کند که بر من صلوات بفرستد خداوند او را به راهی جز راه بهشت برد.

از این نوع روایات استفاده می‌شود که فراموشی اعمال صالح، گرچه عقاب ندارد اما انسان را از راه فضیلت محروم می‌کند. البته کسی که راه بهشت را گم کرده، ممکن است پس از تحمل رنج‌ها و دشواری‌های فراوان آن را پیدا کند، نه آن که تا ابد از آن محروم باشد.

افزودن آل محمد در صلوات

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعَ
أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتَرْهَا لَا تَطْلِمُنَا حَقًّا قُلِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ^۱.

حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم شنید که مردی به پرده کعبه در آویخته و می‌گوید: «اللهم صل على محمد» (و نامی از آل محمد دنبال آن نمی‌برد) پدرم به او فرمود: ای بنده خدا بریده‌اش مکن، و درباره حق ما به ماستم مکن، و بگو: «اللهم صل على محمد واهل بيته»

روایات متعددی از طرق شیعه و اهل سنت وارد شده که «آل

۱. کافی، کتاب الدعاء، باب الصلاة على النبي محمد و اهل بيته عليهم السلام، حدیث ۲۱

محمد» را بعد از صلوات بر پیامبر ﷺ ذکر کرده‌اند یا دستور داده شده که ذکر شوند.

در کتاب «الدر المنثور» از صحیح بخاری و مسلم و ابو داود و ترمذی و نسایی و ابن ماجه و ابن مردویه و روات دیگری از کعب بن عجره نقل شده که مردی خدمت پیامبر ﷺ عرض کرد: سلام بر تو را ما می‌دانیم چگونه است، اما صلوات بر شما باید چگونه باشد؟ پیامبر ﷺ فرمود بگو:

«اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت على
ابراهيم انك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد و على
آل محمد كما باركت على ابراهيم و آل ابراهيم انك حميد
مجيد».

سیوطی در الدر المنثور، علاوه بر حدیث فوق، هیجده حدیث دیگر نقل کرده که در همگی تصریح شده که آل محمد را باید به هنگام صلوات ذکر کرد. این احادیث را از کتب معروف و مشهور اهل سنت از گروهی از صحابه از جمله ابن عباس و طلحه و ابو سعید خدری و ابو هریره و ابو مسعود انصاری و بریده و ابن مسعود و کعب بن عجره و امیر مؤمنان علی رضی الله عنه نقل کرده است.^۱

البته در این حدیث شریف، به جای «آل محمد»، «اهل بیت»





آمده است که یا به این معناست که «اهل بیت» همان «آل محمد» هستند و «آل محمد» واقعی همان «اهل بیت» می‌باشند؛ یا به این معناست که دست‌کم، «اهل بیت» را داخل در صلوات خود بکن و تنها بر رسول‌گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلوات نفرست که خلاف سنت است. همچنین گذشت که صلوات به معنای اطاعت و پیروی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. از این رو، ممکن است مراد امام این باشد که در مقام گفتار و دعا و نیز در مقام عمل، پیرو ما باشید و اگر چنین نکنید حق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را مراعات نکرده‌اید.

با فضیلت ترین عمل روز جمعه

الْخِصَالُ أَبِي عَن سَعْدِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ
غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا مِنْ عَمَلٍ
أَفْضَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ^۱.

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت است که در روز جمعه، عملی با فضیلت‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.
و در باب نوادر الجمعة آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحُسَيْنِ
بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ

عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنِ الْمُفْضَلِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ
السَّلَامُ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ يُعْبَدُ اللَّهُ بِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَحَبَّ
إِلَى مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ^١.

یعنی از امام صادق علیه السلام روایت است که در روز جمعه، در میان
اعمالی که خداوند عبادت می‌شود، چیزی برای من، محبوب‌تر از
صلوات بر محمد و آل محمد نیست.
و آمده است:

عَلَى بَنِي مُحَمَّدٍ عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ: إِذَا
صَلَّيْتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ
عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَوَالِهِمْ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا فِي دُبُرِ الْعَصْرِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ
أَلْفِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَقَصَى لَهُ بِهَا
مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ^٢.

وقتی روز جمعه نماز خواندی، بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ
بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَوَالِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ هر کس این ذکر
را بعد از نماز عصر بگوید، خداوند بر او صد هزار حسنه می‌نویسد و صد

١. کافی، ج ٣، ص ٤٢٩

٢. کافی، ج ٣، ص ٤٢٩





هزار بدی از او محو می‌کند و صد هزار حاجت او را برآورده می‌کند و او را صد هزار درجه بالا می‌برد.

در این مقام مناسب است به نقل مکاشفه‌ای از عارف الهی، شیخنا الاستاد حضرت علامه حسن زاده آملی رحمته الله بپردازم که بعد از نماز صبح روز جمعه ۱۵ / ج ۲ / سنه ۱۳۸۹ قمری مطابق با ۷ شهریور ۱۳۴۸ شمسی برای ایشان دست داد. ایشان نوشته‌اند:

«در حال توجه نشسته بودم، پس از برهه‌ای بدنم به ارتعاش آمد ولی خفیف بود. بعد از چند لحظه‌ای شنیدم شخصی با زبان بسیار شیوا و شیرین این آیه کریمه را قرائت می‌کند: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَاسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** ولی من آن شخص را نمی‌دیدم، و من هم از شنیدن این آیه صلوات می‌فرستادم. در آن حال یکی به من گفت: بگو «یا رسول الله» و من پی در پی می‌گفتم: «یا رسول الله». و پس از آن با جمعی از مخلوقی خاص محشور شدم که گفت و شنود بسیاری با هم داشتیم. بعد از آن که از آن حال باز آمدم متنبّه شدم که تلاوت آیه فوق برای این جهت بود که روز جمعه بود، و ذکر صلوات در این روز بسیار تأکید شده است»^۱.

عامل تزکیه اعمال

الأمالی للشیخ الطوسی المُنْفِیدُ عَنِ الْجَعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَى عَنْ أُسَیْدِ بْنِ زَیْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ
عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى إِجَابَةِ لِدُعَائِكُمْ وَرِكَاءَهُ
لِلْأَعْمَالِكُمْ^۱.

امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که فرمود: صلوات
شما بر من، اجابت دعاهاى شما و زکات اعمال شماست.
این روایت، مؤید خوبی است بر اینکه صلوات بر محمد و آل
محمد صلی الله علیه و آله به نفع خود ما و مایه اجابت دعا و عامل پاکی و رشد اعمال
ما است.

علت خلیل شدن ابراهیم

علل الشرائع أحمدُ بنُ محمدِ السِّنَانِ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ
سَهْلٍ عَنِ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحُسَيْنِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ
صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ^۲.

خداوند متعال ابراهیم را خلیل (دوست و رفیق) خود کرد چرا که

۱. الامالی، ص ۲۱۵

۲. بحار الانوار، ج ۹۱ ص ۵۴





بسیار بر محمد و اهل بیتش صلوات می‌فرستاد. اگر کسی معنای کامل صلوات در گفتار و عمل را که همان قبول فیض رسول الله ﷺ است - بداند، از اینگونه روایات تعجب نمی‌کند. به قسمت معنای صلوات مراجعه کنید.

نفرستان صلوات، نشانه بخل

معانی الأخبار أحمدُ بنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْمُثَقَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْعَلَاءِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي زَكْرِيَا عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بِلَالٍ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ غَزِيَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَخِيلُ حَقًّا مَنْ ذُكِرْتُ عَنْدهُ فَلَمْ يَصِلْ عَلَيَّ^۱.

رسول الله ﷺ فرمود: بخیل در حقیقت کسی است که نزدش نام من برده شود و بر من صلوات نفرستد.

چنانکه گذشت صلوات بر پیامبر ﷺ به نفع خود انسان است و اگر کسی نام مبارک ایشان را بشنود و صلوات نفرستد، معلوم می‌شود دنبال رشد و منفعت معنوی خود نیست و بخل حقیقی چیزی جز این نیست که انسان مانع خیر به خودش شود.

۱. معانی الاخبار، ص ۲۶۴

عقوبت نفرستانن صلوات بر آل پیامبر

الأمالی للصدوق ابْنُ شاذَوِيه عَن مُحَمَّدِ الحُمَيْرِي عَن
أبيهِ عَن ابنِ يَزِيدَ عَن ابنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَن أبانِ بنِ عَثْمَانَ
عَن أبانِ بنِ تَغْلِبَ عَنِ البَاقِرِ عَن أبائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ
لَمْ يَصَلِّ عَلَيَّ أَلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ
مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ^١

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس بر من صلوات بفرستد و بر آل من
صلوات نفرستد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند و حال آنکه بوی
بهشت از مسیر ۵۰۰ ساله می‌آید.

بحثی در حرمت یا کراهت ذکر نکردن آل

برخی با توجه به اینگونه از روایات تصریح کرده‌اند که صلوات بر
پیامبر اکرم ﷺ بدون ذکر آل او صحیح نیست و بلکه حرام و موجب
عقاب است.

علامه مجلسی می‌نویسد:

«قد ورد في روايات الخاصة و العامة أن الصلاة عليه
بدون الصلاة على الآل غير مقبول، بل يظهر من أخبارنا





أنه محرم و موجب للعقاب، ولذا ورد في التشهد في طرق العامة و الخاصة الصلاة عليه مقرونة بالصلاة على الآل»^۱.

در روایات خاصه و عامه وارد شده که صلوات بر پیامبر بدون صلوات بر آل، مقبول نیست. بلکه از اخبار ما ظاهر می‌شود که حرام و موجب عقاب است. لذا در تشهد از طریق عامه و خاصه صلوات مقرون با آل وارد شده است.

لکن این برداشت از روایات، محل اشکال است. به دلیل اینکه؛
اولاً، آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۲ نیز آل محمد را ذکر نکرده است. آیا می‌شود گفت این صلوات خداوند و ملائکه، مقبول نیست یا باطل است؟

ثانیا، در برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صلوات فرستاده شده اما آل او ذکر نشده است. به عنوان نمونه، امیر مومنان علی علیه‌السلام در خطبه‌ای^۳ چنین بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صلوات می‌فرستد:

۱. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۲ ص ۹۶

۲. احزاب / ۵۶

۳. سید رضی چنین می‌نویسد: «و من خطبة له عليه السلام علم فيها الناس الصلاة على النبي (صلى الله عليه وآله) وفيها بيان صفات الله سبحانه و صفة النبي والدعاء له؛ در این خطبه امام علیه السلام طرز فرستادن صلوات و درود بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به مردم یاد می‌دهد و در عین حال، بخشی از صفات خداوند سبحان و صفات پیامبر اکرم و دعای برای آن حضرت نیز آمده است.



«اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ، وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا انْعَلَقَ،
وَالْمُعْلِنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ، وَالِدَافِعِ جَيْشَاتِ الْأَبَاطِيلِ،
وَالدَّامِغِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ، كَمَا جُمِلَ فَاضْطَلَعَ، قَائِمًا
بَأَمْرِكَ، مُسْتَوْفِرًا فِي مَرْضَاتِكَ، غَيْرَ نَاكِيلٍ عَنْ قُدَمِ، وَلَا
وَاهٍ فِي عَزْمِ، وَأَعْيَا لَوْحِيكَ، حَافِظًا لِعَهْدِكَ، مَاضِيًا عَلَى
نَفَازِ أَمْرِكَ؛ حَتَّى أَوْرَى قَبَسَ الْقَابِسِ، وَأَضَاءَ الطَّرِيقِ
لِلْحَابِطِ، وَهَدَيْتَ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوْصَاتِ الْفِتَنِ
وَالْأَتَامِ، وَأَقَامَ بِمُوضِحَاتِ الْأَعْلَامِ، وَنِيرَاتِ الْأَحْكَامِ،
فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ، وَخَازِنُ عِلْمِكَ الْمُخْرُوجِ، وَشَهِيدُكَ
يَوْمَ الدِّينِ، وَبَعِيثُكَ بِالْحَقِّ، وَرَسُولُكَ إِلَى الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ
افْسَحْ لَهُ مَفْسَحًا فِي ظِلِّكَ؛ وَاجْزِهِ مَضَاعِفَاتِ الْخَيْرِ
مِنْ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ وَأَعْلِ عَلَى بِنَاءِ الْبَانِينَ بِنَاءَهُ، وَ
أَكْرِمْ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ، وَأَتِمِّمْ لَهُ نُورَهُ، وَاجْزِهِ مِنْ ائْتِعَاتِكَ
لَهُ مَقْبُولِ الشَّهَادَةِ، مَرْضَى الْمَقَالَةِ، ذَا مَنْطِقِ عَدْلِ، وَ
خُطْبَةِ فَضْلِ. اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ وَ
قَرَارِ النِّعْمَةِ، وَمَتَى الشَّهَوَاتِ، وَأَهْوَاءِ اللَّذَاتِ، وَرَخَاءِ
الدَّعَةِ، وَمُنْتَهَى الظَّمَانِيَّةِ، وَتُخْفِ الْكِرَامَةَ»^۱.

یعنی (خداوندا) گرامی ترین صلوات و پربارترین برکات را بر محمد



بندهات و رسولت بفرست! همان کسی که خاتم پیامبران پیشین بود، کسی که درهای بسته را گشود و حق را با حق آشکار ساخت. غوغای باطل را دفع کرد و حملات گمراهی‌ها را درهم شکست و با تمام قدرت بارسنگین رسالت را بردوش کشید، این در حالی بود که به فرمانت قیام کرد و در طریق رضا و خشنودی تو با سرعت گام برمی‌داشت، هرگز در این مسیر تردید به خود راه نداد و عقب‌گرد، نکرد و عزم و اراده‌اش به سستی نگرایید. وحی تو را با آگاهی گرفت و عهد تو را پاسداری کرد و در انجام فرمانت (با قدرت و جدیت) پیش رفت، تا آنجا که شعله‌های حق را برای طالبانش برافروخت و راه را برای ناآگاهان روشن ساخت و دل‌هایی که در فتنه‌ها و گناهان فرو رفته بود، به برکت وجودش هدایت شد. او پرچم‌های آشکارکننده حق را برافراشت و احکام نورانی اسلام را برپا ساخت. آری، او امین معتمد و گنجینه دار مخزن علوم تو و شاهد و گواه روز رستاخیز و برانگیخته‌ات برای بیان حقایق و فرستاده‌ات به سوی خلائق است.

پروردگارا! جایگاهی وسیع برای او در سایه لطفت بگشای و از فضل و کرم‌ت پاداش مضاعف به او مرحمت کن! خداوندا! کاخ پرشکوه او را از هر بنایی برتر ساز و مقام او را در پیشگاه خود گرمی‌دار! خداوندا! نور او را (در سراسر جهان) کامل گردان و پاداش رسالتش را پذیرش شهادت (و شفاعت در حق امت) و قبول گفتار او قرار ده! (چرا که او) دارای منطق عادلانه و سخنان جداکننده حق از باطل بود.



خداوندا! ما را در کنار آن پیامبر بزرگ قرار ده، در جایی که زندگانش خوش و نعمتش جاودان و آرزوهایش مطلوب و لذاتش خواستنی است؛ آن هم در کمال آرامش و نهایت اطمینان و توأم با هدایای پرارزش!^۱

ثالثا، در برخی از روایات تنها صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذکر شده است. مانند:

الف. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ دَعَا وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ رُفِعَ الدُّعَاءُ.^۲

ب. أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَجْعَلُ لَكَ ثُلُثَ صَلَوَاتِي لَا بَلَّ أَجْعَلُ لَكَ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَا بَلَّ أَجْعَلُهَا كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا تَكْفَى مَوْتِنَا الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ.^۳

ج. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقِلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَكْثِرْ.^۴

رابعا، در برخی از روایات، به جای «آل» که معنای گسترده‌ای دارد،

۱. گفتنی است قسمت پایانی، نوعی دعاست و نمی‌شود از آن، صلوات بر آل محمد را استفاده کرد.

۲. کافی، ج ۲ ص ۴۹۱

۳. همان

۴. همان، ج ۲ ص ۴۹۲



«اهل بیت» آمده که تنها بر اهل بیت کساء یا امامان معصوم علیهم‌السلام دلالت دارد. به عنوان نمونه:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعَ
أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتِئْهَا لَا تَظْلِمُنَا حَقًّا قُلِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ!

خامسا، وقتی ما نام مبارک یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام را می‌بریم و برایشان سلام می‌فرستیم، مثل اینکه می‌گوییم: «عَلَيْهِ السَّلَامُ» و در عین حال به رسول گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دیگر امامان و آل اشاره نمی‌کنیم، آیا گناهی مرتکب شده‌ایم؟ و آیا سلام و درود ما مقبول نیست؟

پاسخ این است که نه تنها گناه نیست بلکه مقبول است و اجر و پاداش دارد. حال چگونه می‌شود در صلوات و سلام بر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بگوییم اگر «آل» ذکر نشود، گناهی رخ داده یا مقبول نیست.

بله ذکر آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در صلوات بعد از نام مبارک پیامبر، حکمت، فواید و برکاتی دارد که به خاطر آن، سفارش به گفتنش است.

در نتیجه، عدم ذکر آل محمد در صلوات، حرام و گناه نیست و بعید است مجتهدی فتوا به حرمت بدهد. با این حال، ذکر «آل محمد» بعد



از صلوات بر پیامبر، در روایات و ادعیه بسیار زیادی وارد شده است و سفارش‌های متعددی در روایات بر افزودن «آل محمد» شده است. به همین جهت، ذکر «آل محمد» یا «اهل بیت» در ادامه صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شعار امامیه شده است. البته اهل سنت -بجز وهابی‌ها- نیز همین کار را انجام می‌دهند.

آنچه اکنون به عنوان صلوات در بین ما شیعیان اهل بیت علیهم السلام معهود و مشهور است ذکر شریف «اللهم صل علی محمد و آل محمد» است.

این ذکر در روایات متعدد و کتب معتبر به دفعات بسیار زیاد وارد شده است. تنها به عنوان نمونه در کتب صحیفه سجادیه،^۱ کافی،^۲ کامل الزیارات،^۳ من لا یحضره الفقیه،^۴ المزار،^۵ المقنعه،^۶ تهذیب الاحکام،^۷ مصباح المتهدجد^۸ و اقبال الاعمال^۹ این ذکر شریف بارها و بارها بیان شده است.

۱. مانند: صحیفه سجادیه، دعای ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۴۲ و ۴۸

۲. کافی، ج ۲ ص ۵۵۸

۳. کامل الزیارات، ص ۱۸، ۲۲۴، ۲۲۵

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۱۲، ۱۶۳

۵. المزار، ص ۷۶، ۹۹

۶. المقنعه، ص ۱۰۷، ۱۱۸

۷. تهذیب الاحکام، ج ۲ ص ۹۲، ج ۳ ص ۱۰

۸. مصباح المتهدجد و سلاح المتعبد، ج ۱ ص ۳۲، ۳۹

۹. اقبال الاعمال، ج ۱ ص ۱۷، ۱۸، ۲۵



در جمع‌بندی مطالب چنین بیان می‌شود که نمی‌شود ذکر نکردن «آل محمد» بعد از صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را حرام و مورد عقاب دانست؛ اما باید براین نکته تأکید کرد که مستحب مؤکد است که انسان بعد از صلوات بر پیامبر، بر آل یا اهل بیت نیز صلوات بفرستد و ترک آن کراهت دارد.

اما مفهوم روایاتی که می‌فرماید: «هر کس بر من صلوات بفرستد و بر آل من صلوات نفرستد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند و حال آنکه بوی بهشت از مسیر ۵۰۰ ساله می‌آید» به فرض اعتبار سند، بهشتی است که از صلوات فرستادن بر «آل» حاصل می‌شود. روشن است که اگر کسی، مستحب مؤکدی را ترک کند، به ثواب و آثار آن عمل مستحبی نخواهد رسید.

از این جهت نیز می‌شود گفت که اگر کسی تعمداً در نگفتن آل - به جهت مخالفت با آل پیامبر - داشته باشد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

روایت عجل فرجهم

در برخی از روایات، عبارت «و عجل فرجهم» به صلوات افزوده شده است؛^۱ مانند:

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ

۱. کافی، ج ۲ ص ۵۸۳؛ جمال الاسبوع، ۱۷۹

صَلَاةِ الْفَجْرِ فِي الْجُمُعَةِ وَغَيْرِهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَدْرِكَ الْقَائِمَ
الْمُهْدَى.^۱

یعنی از امام صادق علیه السلام روایت است که هر کس بعد از نماز ظهر و
صبح در جمعه و غیر جمعه بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ؛ نمی میرد تا اینکه قائم المهدی را ادراک کند.
در روایت دیگر آمده است:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَنْ قَالَ:
عَقِيبَ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ كَانَتْ لَهُ أَمَانًا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ وَمَنْ قَالَ أَيْضًا
عَقِيبَ الْجُمُعَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ.^۲

از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت است: هر کس بعد
از نماز جمعه هفت مرتبه بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ از اصحاب قائم عجله الله تعالی فرجه باشد.

معنای عجل فرجه، درخواست تعجیل و شتاب در فرج آل
محمد علیهم السلام و فرارسیدن هر چه زودتر زمان ظهور مبارک و مسرت

۱. بحارالانوار، ج ۸۶ ص ۳۶۳

۲. بحارالانوار، ج ۸۷ ص ۶۵



بخش امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف است.

در واقع با فرج حضرت حجت عجل الله تعال فرجه الشريف در کار و هدف همه انبیا عليهم السلام و چهارده معصوم عليهم السلام فرج حاصل می‌شود و جهان روی عدالت کامل را به خود می‌بیند و آنچه ائمه عليهم السلام می‌خواستند به وقوع می‌پیوندد.

وسعت دادن به صلوات

ثواب الأعمال ابنُ المَتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدِ أَبَادِي عَنِ الْبُرْقِ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَارٍ قَالَ:
كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ رَجُلٌ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ يَا هَذَا لَقَدْ صَيَّقْتَ عَلَيْنَا أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَهْلَ
الْبَيْتِ خَمْسَةٌ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَقُولُ
قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَكُونُ نَحْنُ وَ
شِيعَتُنَا قَدْ دَخَلْنَا فِيهِ ١.

عمار گفت نزد امام صادق عليه السلام بودم. مردی گفت: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ؛ امام صادق عليه السلام فرمود: فلانی! بر ما تنگ و سخت گرفتی! آیا نمی‌دانی که اهل بیت، پنج نفر اصحاب کساء هستند؟ آن مرد گفت پس چگونه بگویم؟ امام فرمود: بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ در این صورت ما و شیعیان ما هم داخل این



صلوات می شویم.

اینکه امام فرمود: بر ما تنگ و سخت گرفتی! به خاطر این بود که توسعه در دعا و صلوات را تعلیم دهند تا هنگام صلوات، تنها بر رسول گرامی ﷺ یا اهل بیت پنج گانه (اصحاب کساء) ﷺ صلوات نفرستیم - گرچه این کار، فی نفسه، خوب است و در برخی روایات بنا به مصالح و شرایطی چنین شده است - بلکه طبق سنت، بر آل محمد ﷺ نیز که شامل امامان معصوم و پیروان ایشان است، صلوات بفرستیم.

نزدیکترین انسان‌ها به پیامبر

رَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَوْلَى النَّاسِ بِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا!

از رسول الله ﷺ روایت است که نزدیکترین مردم به من در روز قیامت، کسانی‌اند که بیشترین صلوات را در دنیا بر من فرستاده‌اند.

روشن است که صرفاً لفظ و گفتار مطرح نیست چراکه خداوند این اعمال را از مومنین و متقین می‌پذیرد. بلکه مراد، صلوات واقعی است که همان متابعت در گفتار و رفتار است و هر چه این تبعیت بیشتر باشد، نزدیک شدن به رسول الله ﷺ بیشتر می‌شود.





صلوات باعث شفاعت

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْوَصِيَّةِ يَا عَلِيُّ مَنْ
صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ أَوْ كُلَّ لَيْلَةٍ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَلَوْ
كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت خود فرمود: ای علی! هر کس هر روز یا هر شب بر من صلوات بفرستد، شفاعت من بر او واجب می‌شود گرچه از اهل گناهان کبیره باشد.

شاید دلیلش این است که صلوات و متابعت روزانه و شبانه از پیامبر صلی الله علیه و آله، قابلیت رسیدن به مراتب رشد را برای انسان فراهم می‌کند.

عامل از بین رفتن گناهان

عَنِ الرَّضَا عليه السلام مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يَكْفِرُ بِهِ ذُنُوبُهُ فَلْيَكْتُمِ
مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَذَا^۲.

از امام رضا عليه السلام روایت است که هر کس قادر بر از بین بردن گناهانش نباشد، باید زیاد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد. زیرا صلوات گناهان را از بین می‌برد.
در روایت دیگر می‌خوانیم:

۱. بحار الانوار، ج ۹۱ ص ۶۳

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۲۹۴

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَفِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حُبًّا لِي وَشَوْقًا إِلَيَّ
كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ
وَذَلِكَ الْيَوْمَ.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس هر روز سه مرتبه و هر شب سه مرتبه
به خاطر حب و شوق به من، بر من صلوات بفرستد بر خداست که
گناهان او را در آن شب و روز ببامزد.

باعث استغفار ملائکه

مُنْبِئَةُ الْمُرِيدِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ
صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ
اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ.^۲

رسول الله ﷺ فرمود: هر کس در نوشته‌ای بر من صلوات بفرستد،
مادامی که نام من در آن نوشته است، همواره ملائکه بر او استغفار
می‌کنند.

این روایت شریف، بسیار امید بخش است. از خداوند متعال
می‌خواهیم به حق محمد و آل محمد ﷺ بر ایشان بهترین صلوات را
بفرستد و این رساله صلوات را از ما به بهترین وجه قبول فرماید و آن

۱. بحار الانوار، ج ۹۱ ص ۷۰

۲. منية المرید، ص ۳۴۷





را ذخیره تنهایی ما در برزخ و قیامت قرار دهد و هر کس از مؤمنان و مؤمنات از نوشتن این رساله خوشنود باشد، آنها نیز در اجر این رساله شریک باشند.

پاسخ پیامبر به مصلی

بِإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْحَطَّابِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَلَكَاً يُقَالُ لَهُ ظَهْلِيلُ إِذَا صَلَّى عَلَيْهِ أَحَدُكُمْ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ قَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فُلَانٌ سَلَّمَ عَلَيْكَ وَصَلَّى عَلَيْكَ قَالَ فَيَرِدُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّلَامِ!

از امام صادق عليه السلام روایت است که خداوند ملکی به نام ظهلایل را در قبر پیامبر وکیل کرده که وقتی یکی از شما بر پیامبر صلوات می‌فرستید به رسول الله عرض می‌کند یا رسول الله! فلانی بر تو سلام و صلوات فرستاد و رسول خدا جواب سلامش را می‌دهد.

پاداش شهادت

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ شَهِيداً وَ

خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ.^۱

از رسول خدا ﷺ روایت است که هر کس بگوید «اللهم صلِّ علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» خداوند به او اجر هفتاد و دو شهید را می‌دهد و از گناهانش خارج می‌شود همانند روزی که از مادر متولد شد. شاید مراد از شهید، مقتول فی سبیل الله باشد و شاید مراد، گواه اعمال باشد.

باید به این نکته توجه کرد که خداوندی که به خاطر صلوات مقبول، چنین پاداش عظیمی عنایت می‌کند، به مقتول در راه خدا، چه پاداش‌های عظیمی عنایت خواهد کرد که عقول از درک آن عاجز است!

نور بودن صلوات

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَنُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَنُورٌ فِي الْجَنَّةِ.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: بر من زیاد صلوات بفرستید. زیرا صلوات بر من، نوری در قبر، نوری در صراط و نوری در بهشت است.

۱. بحارالانوار، ج ۹۱ ص ۶۴

۲. الدعوات، ص ۲۱۶





جرایی پاداش های عظیم صلوات

همانطور که گذشت با صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل ایشان نام و یاد آن بزرگواران به عنوان هادیان امت، فراموش نمی‌شود و معنا یا لازمه صلوات این است که اسلام و برنامه‌های اسلامی و آنچه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف خداوند متعال آورده، ترک نمی‌شود و تکرار صلوات بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل ایشان در طول تاریخ، رمز بقای اسلام و اهداف پیامبران و برنامه‌های اسلامی است.

عمق بینش یک دین و مذهب اینجا روشن می‌شود که برنامه‌هایی تنظیم می‌کند که گرچه به ظاهر ساده است، اما در واقع، باعث حفظ دین و مکتب می‌شود.

پاداش‌های صلوات مطلق است یا مشروط

در اینجا لازم است به یک سؤال مهم پاسخ داده شود و آن اینکه، آیا پاداش‌های صلوات، به صورت مطلق است و بدون هیچ قید و شرطی هر کس را که صلوات بفرستد شامل می‌شود یا مشروط به شرایط و مقید به قیودی است؟

پاسخ این است که همواره در فهم آیات و روایات باید همه آیات و روایات مربوطه جمع بندی شوند و سپس نتیجه گرفته شود و گرنه فهم و تلقی ما از یک مسأله دینی ناقص و نادرست خواهد بود. در این مسأله نیز باید آیات و روایات دیگر نیز لحاظ شود. به عنوان



نمونه، آیات و روایات زیادی در لزوم ایمان و انجام اعمال صالح مانند واجبات، و آیات و روایات زیادی در لزوم ترک گناهان مانند دروغ، غیبت، زنا، اسراف، پایمال کردن حق دیگران، جهت رسیدن به سعادت ابدی و دور ماندن از شقاوت وارد شده است.^۱ تنها به عنوان نمونه، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ
وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكفُوا وَاسْتَكْبَرُوا
فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا﴾^۲

آنها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند پاداش آنها را به طور کامل خواهد داد و از فضل و بخشش خود بر آنها خواهد افزود و اما آنها را که استنکاف کردند و تکبر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد و برای خود غیر از خدا سرپرست و یآوری نخواهند یافت.

همچنین آیات و روایاتی وجود دارد که می‌فرماید: خداوند متعال تنها اعمال متقین را می‌پذیرد: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۳.

۱. مراجعه کنید: بقره / ۸۲؛ بقره / ۲۱۷؛ بقره / ۲۷۷؛ آل عمران / ۵۶ و ۵۷؛ نساء / ۵۷؛ مائده / ۵؛ کهف

/ ۳۰؛ سجده / ۱۹ و ۲۰؛ هود / ۱۵ و ۱۶

۲. نساء / ۱۷۳

۳. مائده / ۲۷



از این رو، رسیدن به فضیلت و برکات و فواید هر عملی از جمله صلوات، مشروط و مقید به ایمان، انجام عمل صالح، دوری از اعمال ناصالح، و مراعات تقواست و نمی‌شود چنین گفت که بدون ایمان و تقوا هر انسانی مشمول این همه برکات می‌شود، گرچه هیچ‌گاه منکر فضل عظیم و رحمت واسع خداوند متعال نیستیم؛ «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۱.
بله این مطلب را هم باید در نظر داشت که گاهی صلوات، منشأ توبه، ایمان، تقوا و عمل صالح می‌شود و گاهی درجه آنها را بالاتر می‌برد.

این بخش را با قسمت‌هایی از صلوات امام زین العابدین (علیه السلام) در صحیفه سجادیه به پایان می‌بریم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَتَقَبَّلْ مِيرَانَهُ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَتِمِّ نُورَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَحِينَا عَلَى سُنَّتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ بِنَا مِنْهَا جَهْ، وَاسْأَلْكَ بِنَا سَبِيلَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ، وَاسْقِنَا بِكَأْسِهِ؛

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَفَضْلٍ كَرِيمٍ؛

وَاللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ، وَ اَهْلِ بَيْتِهِ الظَّاهِرِيْنَ، وَ اَخْصُصْهُمْ
 بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ؛
 وَاللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ اٰلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى مَلَائِكَتِكَ الْمُتَقَرَّبِيْنَ، وَ
 صَلِّ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ كَمَا
 صَلَّيْتَ عَلٰى عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ، وَ اَفْضَلْ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ، صَلَاةً
 تَبْلُغُنَا بَرَكَتْهَا، وَ يِنَالُنَا نَفْعُهَا، وَ يَسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا، اِنَّكَ اَكْرَمُ مَنْ رُوْغِبَ
 اِلَيْهِ، وَ اَكْفَى مَنْ تُوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَ اَعْطٰى مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ، وَ اَنْتَ عَلٰى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيْرٌ^۱







صلوات کامل برای چهارده معصوم



به مناسبت روایات فوق، روایتی در صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام وارد شده است که در این مقام مناسب است آن را نقل کنیم.

شیخ طوسی در مصباح المتعجد نوشته است: یکی از یاران امام

حسن عسکری علیه السلام می گوید:

از مولای خود امام حسن عسکری علیه السلام در منزل آن حضرت در سامرا سال ۲۵۵ درخواست کردم کیفیت صلوات بر پیامبر و اوصیای آن بزرگوار را بر من املا کند. ایشان با الفاظ مبارک خود بدون آنکه در کتابی نگاه کند در حالی که من کاغذ بزرگی را به همراه داشتم، صلوات ذیل را املا فرمود و من نوشتم:



صلوات بر پیامبر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيِكَ وَبَلَّغْتَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا
أَحَلَّ حَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ
وَآتَى الزَّكَاةَ وَدَعَا إِلَى دِينِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَأَشْفَقَ
مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ
وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ
الْغَمَّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ
بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَضَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ وَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَسَرْتَ
بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنْفَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَ
أَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَتَبَرَّزْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا.

صلوات بر امیر المؤمنین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّهِ وَوَلِيِّهِ
وَصَفِيهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ
بِحُجَّتِهِ وَالِدَاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَمُفْرَجِ الْكُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ
قَاصِمِ الْكُفْرَةِ وَمُرْغِمِ الْفُجْرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى
اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ
الْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

صلوات برفاطمه زهرا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّادِقَةِ فَاطِمَةَ الزُّكِّيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَأُمَّ أَحِبَّائِكَ
وَأَصْفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
كُنِ الظَّالِمَ لَهَا مَنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ الشَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا
اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أُمَّةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ
المَلَائِكَةِ فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمِّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ
أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَرِّبُهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَأَبْلِغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.

صلوات برامام حسن و امام حسين

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِي رَسُولِكَ وَسِبْطِي
الرَّحْمَةَ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ
وَالْمُرْتَضِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عَشْتُ مَظْلُومًا وَمَصَيْتُ شَهِيدًا
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الرَّكْبِيُّ الْهُدَى الْمُهْدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَ
جَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَطَرِيحِ الْفَجْرَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ





أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَمَصِيَّتَ شَهِيدًا وَ
أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الظَّالِمُ بِثَأْرِكَ وَمُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ فِي
هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ اليَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ
اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَلَبَّتْ عَلَيْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَ
اسْتَحَفَّ بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ
وَلَعَنَ اللَّهُ خَادِلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَأَعْيَتَكَ فَلَمْ يَجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ وَلَعَنَ
اللَّهُ مَنْ سَبَى نِسَاءَكَ أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ
عَلَيْهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ
الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَمِمَّنْزَلْتَكُمْ مُوقِنٌ وَ
لَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَ
آخِرَتِي.

صلوات برامام زين العابدين

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ
وَجَعَلْتَهُ مِنْهُ أُمَّةً الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ الَّذِي اخْتَرْتَهُ
لِنَفْسِكَ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَاضْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا اللَّهُمَّ فَصَّلْ
عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تُعْزِبُهُ
عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

صلوات بر امام محمد باقر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَإِمَامِ الْهُدَى وَقَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى
وَالْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا لِبِلَادِكَ وَ
مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ وَمُتْرَجِمًا لَوْحِيكَ وَأَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ وَحَذَرْتَ عَنْ مَعْصِيَتِهِ
فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ
وَرُسُلِكَ وَأَمَنَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

صلوات بر امام جعفر صادق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ
النُّورِ الْمُبِينِ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ وَخَازِنَ عِلْمِكَ وَ
لِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ وَمُسْتَحْفِظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

صلوات بر امام موسى كاظم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَرِّ الْوَفِيِّ الظَّاهِرِ الزُّكِيِّ النُّورِ
الْمُبِينِ الْمُجْتَهِدِ الْمُخْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ عَنْ آبَائِهِ
مَا اسْتَوْدَعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَحَمَلَ عَلَى الْمَحْجَةِ وَكَابَدَ أَهْلَ الْعِرَّةِ وَالشِّدَّةِ
فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جَهَالِ قَوْمِهِ رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.





صلوات بر امام علی بن موسی الرضا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَقَائِمًا بِأَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

صلوات بر امام جواد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَمِ التُّقَى وَنُورِ الْهُدَى وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْأَرْكَبِاءِ وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَآمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْخَيْرَةِ وَأَرْشَدْتَ بِهِ مَنْ اهْتَدَى وَرَكَّيْتَ مَنْ تَرَكَّى فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

صلوات بر امام هادی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِي الْأَوْصِيَاءِ وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَخَلْفِ أُمَّةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَأَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَحَذَّرْ بِأَسْكَ وَذَكَرْ بِأَمَامِكَ وَأَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَبَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَفَرَائِضَكَ وَحَصَّ عَلَى عِبَادَتِكَ وَأَمْرَبَطَاعَتِكَ وَتَهَمَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

صلوات امام حسن عسکری

راوی این صلوات می گوید: امام حسن عسکری علیه السلام وقتی از ذکر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت به خود آن بزرگوار رسید ساکت شد. عرض کردم که کیفیت صلوات بر بقیه را بفرمایید. فرمود: اگر نه این بود که ذکر این صلوات از معالم دین است و خداوند به ما امر فرموده که آن را به اهلس بیاموزیم به یقین دوست داشتم که در این جا سکوت کنم ولی چون در مقام تعلیم دین هستم بنویس:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي تَالِقٍ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ الثَّوْرِ الْمُضِيِّ حَازِنِ عِلْمِكَ وَ الْمُنْذِرِ بِتَوْحِيدِكَ وَ وِلِيِّ أَمْرِكَ وَ خَلْفِ أُمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَ الْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَانِكَ وَ حُجَجِكَ وَ أَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

صلوات بر امام مهدی موعود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِليِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَارَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدَلَ وَ أَبْذِهِ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخذُلْ خَادِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُتَنَفِّقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُتَلَحِّدِينَ



حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامَلَأْ
بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ
أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَارِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ
مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ»^۱





دستور العمل ختم صلوات

در این مقام، مناسب است به چند ختم و مطلب پرفایده برای قضای حوائج اشاره شود.

بدان که هیچ حاجتی برای انسان، شریف‌تر، عزیزتر و مهم‌تر از رسیدن به سعادت حقیقی و کمال نهایی نیست و صلوات در گفتار و عمل، کمک و همراه بسیار خوبی برای این مسأله است.^۱

۱. کمال نهایی در آثار متعدد، با عبارات گوناگونی - با توجه به اعتبارات مختلف - بیان می‌شود؛ مانند: رسیدن به خدا، معرفت حقیقی نفس، معرفت حقیقی رب در حد توان انسان، رؤیت خداوند، لقاء الله، رسیدن به توحید حقیقی، ادراک حضوری وحدت وجود، ولایت، وصال حق، فناء فی الله و بقاء بالله که همه این تعابیر، چیزی جز شهود «وحدت وجود = توحید عرفانی» و تحقق بدان نیست. به بیان دیگر، سعادت و کمال حقیقی برای انسان، وصول او به کمال نهایی خویش، از نظر ذات، صفت و فعل است که همان «فناى ذاتی» و «فناى وصفی» و «فناى فعلی» در حق سبحانه و تعالی است که از آن به توحید ذاتی و اسمی و فعلی تعبیر می‌شود. این مقام، عبارت از این است که انسان در اثر این شهود و تحقق، می‌یابد ←



ختم صد هزار صلوات

در مورد ختم یک صد هزار صلوات در مدّت سه ماه برای قضای حوائج بیان شده است: داعی، نیت کند که از امروز به مدّت سه ماه این عدد صلوات را می‌فرستم تا خداوند فلان حاجت مشروعم را برآورده کند.

ختم چهارده هزار صلوات

از برخی از علما نقل است که جهت قضای حوائج، شب شنبه بعد از نماز عشاء، غسل کند و سپس شب اول، هزار صلوات تقدیم به پیامبر ﷺ کند و صدقه کنار بگذارد. شب دوم هزار صلوات و صدقه و هدیه به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و شب سوم هزار صلوات و صدقه تقدیم به حضرت زهرا (علیه السلام) کند. هر شبی تقدیم به معصومی کند و شب چهاردهم هزار صلوات و صدقه تقدیم به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) کند. پس چهارده هزار صلوات و صدقه تقدیم و هدیه به معصومی کند. (صدقات را به فقیر بدهد) این برای برآورده شدن حاجت (مشروع) بسیار مؤثر است و این صلوات سبب محبوب شدن نزد محمد و آل محمد (علیهم السلام) و تقرب به آنان می‌شود.

← هیچ ذاتی و هیچ وصفی و هیچ فعلی، برای احدی، جز خداوند سبحان. آن هم به گونه‌ای که شایسته و سزاوار مقام قدس حضرتش باشد. وجود ندارد؛ البته بدون اینکه این مطلب مستلزم «حلول» یا «اتحاد» باشد، که خداوند متعالی از این گونه امور پاك و مبراست.

نذر هزار صلوات و چهارده هزار صلوات

برای برآورده شدن حاجات، نذر هزار صلوات و نیز نذر چهارده هزار صلوات و هدیه آن بر چهارده معصوم علیهم السلام بسیار مفید و مؤثر است.

اکثار صلوات برای درمان مشکلات

در کل، برای رفع مشکلات و رشد معنوی، اکثار صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بسیار نافع و مؤثر است.





حسن ختام این رساله را بیانات شیخنا الاستاد، عالم ربانی و عارف الهی حضرت استاد محمد مهدی مهندسی رضوان الله علیه قرار می‌دهیم. استاد در یکی از جلسات فرمودند: سرّ فرستادن صلوات این است که دستیابی به اعلیٰ المعارف و بالاترین مقامات معرفتی جز به شناخت اسمای حسنای الهی حاصل نمی‌شود و دلیل این امر این است که راهی به شناخت ذات نیست. همانطور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَا يَدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ»^۱. در ارتباط با ذات گفته می‌شود:

عنقا شکار کس نشود دام بازچین کان جاهمیشه باد به دست است دام را



مقام ذات جایی است که نه با فهم حکیم شناخته می‌شود و نه مورد شهود عارف قرار می‌گیرد. بنابراین شناخت اسمای حسنای الهی، در عالی‌ترین رتبه معرفت قرار دارد.

ذات در کسوت اسماء قابل شناخت می‌شود و بی کسوت اسماء شناخت ذات برای هیچ کس مقدور و میسر نیست.

در مقام ذات، تعیین، حد، اسم و رسم نیست و هیچ فرد متعینی نمی‌تواند در آن حوزه وارد شود و ادعا کند که می‌تواند آن ذات نامحدود و نامتعیین را اصطیاد کند و به کنه آن برسد.

حال این شناخت ذات در کسوت اسماء و اوصاف با شناخت و معرفت انسان کامل که مظهر تام اسماء و صفات الهی است و مصداق آن رسول مکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام هستند، ممکن می‌شود.

بنابراین نهایت خیر، معرفت^۱ این ذوات مقدسه است. هرچه که ما بیشتر ایشان را بشناسیم و ارتباطمان را با این ذوات مقدسه بیشتر کنیم، یقیناً توحید را بیشتر و بهتر متوجه می‌شویم، چون توحید در حقیقت این انسان‌های اکمل مکمل تمثل پیدا کرده است.

و خوب تشهد در نماز به این معناست که راه رسیدن به حقیقت

توحید، ولایت و شناخت پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام است.

پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام به عنوان آیات عظمای پروردگار و نبأ عظیم هستند و از آن جایی که ما راهی به ذات حق تبارک و



تعالی نداریم باید از طریق اسماء وارد شویم که فرمود: «نحن الاسماء الحسنی». ^۱ بنابراین شناختی که ما نسبت به این اسمای حسنی پیدا می‌کنیم در حقیقت شناخت توحید است در قالب و آیین و مرآة انسان کامل.

در ارتباط با این مسأله و در باب توجه به صلوات بر پیامبر و خاندان مکرم ایشان روایات بسیاری وارد شده است.

البته باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که در عین اینکه به فرستادن صلوات توصیه شده است، توجه به این نکته نیز در کنار صلوات ضروری است که اینطور نباشد که ما در قول و سخن، صلوات بفرستیم اما در عمل موجب آزار و ایذاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شویم.

کسی که در زبان درود و صلوات می‌فرستد اما در مقام عمل یعنی در اخلاق، گفتار و رفتار و نگاه‌ها و برخوردهایی که دارد رضایت ایشان را در نظر نمی‌گیرد و مرتکب خلاف می‌شود، در واقع با مجموع اعمالش موجب ایذاء پیامبر صلی الله علیه و آله شده است.

بنابراین باید میان قول و فعل مطابقت ایجاد کرد به نحوی که فعل، قول را تصدیق کند. انسانی که درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرستد در حقیقت این درودش بیانگر این مطلب است که من این شخصیت را به عنوان پیامبر و امام قبول کرده‌ام. پس اگر قبول کرد باید اقتدای



عملی به ایشان داشته باشد. نه اینکه گفتارش حاکی از توجه به مقام ایشان باشد، اما اعمالش خبر از این اقتداء ندهد. این امر خود، ایذاء است. بنابراین این نکته را باید توجه داشته باشیم که از جهت تربیتی این صلوات تذکری است برای انسان که توجه داشته باشد، این اظهار ارادت و علاقه لسانی را در عمل نیز باید نشان دهد تا کارکرد مطلوبی داشته باشد.

سؤالی که ممکن است برای برخی ایجاد شود این است که آیا به سبب این صلواتی که ما می‌فرستیم بر مقام و موقعیت ایشان افزوده می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا صلوات ما باعث بالا رفتن مقام ایشان می‌شود یا خیر؟

جواب این سوال این است که این صلوات ما باعث ترفیع درجات خود ما می‌شود. کسی که صلوات می‌فرستد در واقع در سایه این صلوات درجات خودش بالا می‌رود، نه اینکه این صلوات باعث شود که درجه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بالا برود. به این جهت که دانی نمی‌تواند علت ترفیع درجه عالی شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام عالی‌اند و ما دانی هستیم، ما هر رزقی که می‌گیریم، هر عملی که انجام می‌دهیم، هر توفیقی که داریم، در ظل توجهات ایشان است. بنابراین ما نمی‌توانیم روی ایشان مؤثر واقع شویم.

حال اگر گفته شود که ما خود را مؤثر نمی‌بینیم و قائل نیستیم که ما مقام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را بالا می‌بریم، بلکه ما از خداوند



متعال می‌خواهیم تا او این کار را انجام دهد. در جواب می‌گوییم: در این حالت نیز باز به نوعی خود را واسطه (فیض) در نظر گرفته‌ایم، گویا ما شفاعت می‌کنیم و از خدا تقاضا می‌کنیم که خدایا به سبب این دعایی که من کردم بر پیامبر ﷺ و آلش ﷺ درود بفرست و آن‌ها را به مقامات بالاتر برسان. در این توجیه نیز به نوعی صلوات فرستنده حد واسط برای ترفیع درجات ایشان می‌شود که خب گفتیم ممکن نیست. زیرا به هیچ وجه، دانی روی عالی نمی‌تواند مؤثر واقع شود و نمی‌تواند عالی را چه مستقیما و چه با واسطه و با شفاعت بالاتر ببرد. تأیید این مطلب در زیارت جامعه کبیره است که فرمود: «جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لِيُخْلِقَنَا وَ طَهَارَةً لِّأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لِّنَا وَ كَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا»؛ یعنی (خداوند) صلوات و درودهای ما را بر شما، و ولایت شما را که به ما اختصاص داده است، موجب پاکیزگی اخلاق ما، پاک‌ی جان، تزکیه و بخششی برای گناهانمان قرار داده است.

یعنی ما در سایه صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ به کمال می‌رسیم، نه اینکه پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در سایه صلوات ما به کمال برسند.

مرحوم علامه طباطبایی مثال زیبایی را در این رابطه دارند و می‌فرمایند: در حقیقت زمانی که ما صلوات را به پیامبر ﷺ هدیه می‌کنیم، مانند این است که شخصی وارد باغی شود و از آن بوستان



و از آن گلستان، یک دسته گل را به خود صاحب باغ هدیه کند. در حقیقت زمانی که ما توفیق صلوات پیدا می‌کنیم، خود این توفیق یافتن برای فرستادن صلوات، به عنایت ایشان بوده است.

اگر کسی اصرار داشته باشد بر اینکه با صلواتمان بر درجات انسان کامل می‌افزاییم، به این معنا می‌توانیم آن را بیان و تفسیر کنیم که همه موجودات عالم، تجلیات انسان کامل هستند و انسان کامل تجلی تام و اتم ذات اقدس اله است. بنابراین همه این عالم اجزای انسان کامل هستند. البته اجزا که می‌گوییم نه به این معنا که مجموع اینها می‌شود انسان کامل، بلکه به این معنا که اینها هر کدام جلوه‌هایی هستند از انسان کامل. زمانی که هر کدام از ما جلوه‌هایی از انسان کامل در نظر گرفته شویم می‌توان گفت وقتی که هر کدام از ما با صلوات به کمال می‌رسیم یعنی جلوه‌هایی از انسان کامل به کمال می‌رسد. با اکمال جلوات انسان کامل، به نوعی انسان کامل، به کمال بیشتری می‌رسد.

صلوات در حقیقت نوعی توسل است که در سایه این توسل ما به کمال می‌رسیم نه اینکه ما توسل می‌کنیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به کمال برسند؛ بلکه خود این دعا کردن در حق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ما را بالا می‌برد. یعنی وجود انسان کامل در ابعاد گوناگون برای تکمیل ما است، حتی دعا کردن در حق انسان کامل،

داعی را بالا می برد.^۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ،
وَ هُدَاتِكَ الدَّالِينَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.







کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. صحیفه سجادیه
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، ۱ جلد، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، دار الشریف الرضی للنشر - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.



۹. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، ۱ جلد، دار الرضی - قم، چاپ: اول، ۱۳۳۰ ق.
۱۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، دار المرتضویه - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۵۶ ش.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت - تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری.
۱۵. الترمذی، صائن الدین علی بن محمد، التمهید فی شرح قواعد التوحید، مؤسسة ام القرى للتحقیق و النشر، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۳۲ ق.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، انتشارات اسراء، قم.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، انتشارات اسراء، قم.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسة آل البيت (علیه السلام) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک کلمه، ۶ جلد، بوستان کتاب - قم، چاپ: سوم، ۱۳۸۱.
۲۰. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحديثة)، ۱ جلد، مؤسسة آل البيت (علیه السلام) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم' الدار الشامیه - دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم، ۱۴۰۴ ق.



۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید، ۱ جلد، مکتب الإعلام الإسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو - تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی - بیروت.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، ۱ جلد، مؤسسه فقه الشیعة - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ۲ جلد، موسسه دار الهجرة - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دارالطباعة العامره.
۳۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات (للاوندی) / سلوة الحزین، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی - تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۳۴. قمی علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب - قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۳۵. قیصری، داوود، شرح فصوص الحکم (القیصری)، ۱ جلد، شرکت



- انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۵.
۳۶. کبیر مدنی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ۷ جلد، دفتر انتشارات اسلامی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، مؤسسه بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۳ ش.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار - مناسک المزار (للمفید)، ۱ جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، ۱ جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ۱ جلد، المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، قم.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۶. واحد جوان، وحید، وحدت وجود در عرفان اسلامی، قائم آل علی علیه السلام، قم، اول، ۱۳۹۷ ش.
۴۷. هیتمی، احمد ابن حجر، الصواعق المحرقة، مكتبة القاهرة.